



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إنه خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبد الآبدين

زلزلہ عمدی

نمونہ ای از جنایات نظام سلطہ جهانی در پوشش فناوری پیشرفته

نشریہ الکترونیکی حیات اعلیٰ - شمارہ ۱۵۴۰

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دارالمعارف الإلهیۃ

تہیہ و تدوین: پژوهشگرہ علوم پاکزستی بنیاد حیات اعلیٰ

یادآوری

کاربران مرسولات حیات اعلی؛ تاکنون گزارشات و مقالات متعددی را که ما در زمینه نظام سلطه جهانی (با نقاب فناوری پیشرفته و اصول علمی مدرن و) منتشر کرده ایم مطالعه نموده و در این زمینه آشنا و هوشیار هستند، یازده روز قبل وقتی خبر زلزله مهیب هائیتی اتفاق افتاد فوراً از طبیعی نبودن این امر مطلع شدیم، و برای آگاهی بخشی در این زمینه نیاز به فرصتی بود تا که گزارشات مفید و شواهدی را جمع آوری نموده تا طی مرسوله ای منتشر نماییم. ابتدا فناوری پیشرفته پروژه "هآرپ" را با نقل دو مقاله در این زمینه معرفی می کنیم، سپس موارد کاربرد آزمایشی و عملیاتی آن در جهان را بطور گذرا ذکر کرده آنگاه موارد مربوط به زلزله هائیتی را بیان می نماییم.

هآرپ نمونه ای از ابزارهای سلطه جهانی در پوشش فناوری علمی پیشرفته

High-Frequency Active Auroral Research Program = HAARP

پروژه «هآرپ» سلاح مخوف و چند منظوره اربابان قدرت

اشاره: پروژه "هآرپ"، جایگزین زمینی طرح «جنگ ستارگان»، به واسطه قدرت های متعدد و خارق العاده ای که پدید می آورد، «سلاح نهایی» آمریکا محسوب می گردد. با «هآرپ»، ارتش آمریکا قادر خواهد بود طرح «جنگ ستارگان» خود را در شکلی اقتصادی تر، اما بسیار خطرناکتر، از سر بگیرد، با این تفاوت که این بار طرح بر روی کره زمین انجام می پذیرد.

حوادث مهیب طبیعی نما: بدون شك، فجایع طبیعی در هر دورانی به وقوع پیوسته و خساراتی گاه جبران ناپذیر به بار آورده اند. اما، آنچه امروز کمتر از گذشته طبیعی می نماید شدت عجیب و بی سابقه این پدیده های به ظاهر طبیعی است که اغلب با بستر فصلی خود در ناهماهنگی کامل بسر می برند. این بی نظمی های آب و هوایی عموماً به حساب تأثیرات گازهای گلخانه ای گذارده می شوند. اما آیا حقیقتاً ارتباطی میان تغییرات آب و هوا و اثرات گلخانه ای این گازها وجود دارد؟ موضوعی که مدت هاست سفره رسانه ها و فعالان صلح سبز را رنگین کرده و به بهانه ای برای توجیه علت هر فاجعه طبیعی تبدیل گردیده است. اما، آنچه از همگان پنهان مانده و توجهات را کمتر به خود معطوف می دارد، این واقعیت است که امروز خطری تازه، از نوعی دیگر، سراسر جهان را تهدید می کند که با تغییرات عجیب وضعیت آب و هوا در ارتباط است و در راستای بلندپروازی های کشورهای که خود را يك «قدرت» و «ارباب جهان» می دانند، عمل می کند. و آمریکا یکی از همین اربابان «خودخوانده» است که در ادامه بلندپروازی های «جنگ ستارگان» خود در تلاش برای دستیابی به سیستم تسلیحاتی بسیار گسترده ای است که قادر است اعماق زمین را در جست وجوی پایگاه های مخفی بکاود، تمامی اشکال ارتباطات هرتزی را متوقف سازد، بر رفتارهای انسانی تأثیر گذارد، جریانات آب و هوایی را تغییر دهد، هواپیماها را همانند مایکروفری که به کمک امواج کوتاه عمل می کند، در آسمان بریان کند، و یا انفجارهایی به قدرت يك بمب اتمی پدید آورد. اما، نه فقط آمریکا... و اگر چه «به ظاهر» هیچ نشانی حکایت از استفاده از این تکنولوژی مرگبار ندارد، اما موضوع آنقدر جدی است که سازمان ملل در حاشیه بحث های خود پیرامون تأثیرات گازهای گلخانه ای بر آب و هوا، پرداختن به مسئله «جنگ زیست محیطی» را نیز آغاز کرده است. هرچند که، به رغم اطلاعات علمی موجود مسئله دست بردن در وضعیت آب و هوا با اهداف نظامی هرگز بخشی از برنامه سازمان ملل در مورد تغییرات آب و هوا نبوده، پیامدهای تکنولوژی نظامی بر وضعیت آب و هوای جهان محور هیچ گفتمانی را تشکیل نداده و هیچکس را نیز نگران نکرده است. و بحث های جاری پیرامون تغییرات آب و هوا که صرفاً بر موضوع گازهای گلخانه ای متمرکزند، نیز به هیچوجه اهداف استراتژیک و دفاعی واشنگتن را به زیر سؤال نمی برد.

تکنیک های تغییر محیط زیست به اهداف نظامی بخشی از تحقیقاتی را تشکیل می دهند که اطلاعات چندانی در مورد آنها در دست نیست، چراکه در پس دیگر پروژه های ارائه شده با هدف بهبود شرایط زیست محیطی پنهان اند. با این حال، «لوک مانپانی» پژوهشگر محیط زیست، خاطرنشان می سازد، «از سال های دهه ۱۹۵۰، گزارش ها و بیانیه هایی رسمی در آمریکا انتشار یافته است که بر فواید نظامی تکنیک های تغییر شرایط آب و هوا تأکید دارند. و از آن زمان، تحقیقات در جهت کنترل عناصر طبیعی هرگز متوقف نگردیده، حداکثر آن که کنوانسیون سال ۱۹۷۷ پیرامون ممنوعیت استفاده از تکنیک های تغییر محیط زیست با اهداف نظامی و یا هر هدف خصوصاً آمیز دیگر، از سرعت این تحقیقات کاسته است».

پروژه «هآرپ» (High-Frequency Active Auroral Research Program HAARP)، جایگزین زمینی طرح «جنگ ستارگان»، به واسطه قدرت های متعدد و خارق العاده ای که پدید می آورد، «سلاح نهایی» آمریکا محسوب می گردد. با «هآرپ»، ارتش آمریکا قادر خواهد بود طرح «جنگ ستارگان» خود را در شکلی اقتصادی تر، اما بسیار خطرناکتر، از سر بگیرد، با این تفاوت که این بار طرح بر روی کره زمین انجام می پذیرد.

در واقع، همه چیز از سال های دهه ۶۰ و ارائه طرحی به منظور تسهیل ارتباط با زیردریایی ها آغاز گردید. چراکه، تنها راه ارتباط با زیردریایی ها که به دلیل قرار گرفتن در اعماق آب ها فاصله بسیاری با سطح دارند، استفاده از امواجی با طول موج بسیار کوتاه است. اما، استفاده از این گونه امواج نصب آنتن های بسیار بزرگ را می طلبد. بنابراین، آنچه این طرح باید میسر می ساخت، ایجاد آنتنی عظیم آنهم در لایه های فوقانی اتمسفر بود.

حیات اعلی: بدینوسیله بسیاری از اهداف قدرتهای جهانی به اسم دانش نجوم و علوم فضا و تحمل هزینه های سرسام آور تحقیقاتی عملیاتی آن مانند اداره ایستگاه فضایی ارسال سفینه فضایی ... معلوم می شود.

هآرپ چیست؟ «هآرپ» يك فرستنده امواج الكترومغناطيسي است كه آسمان را هدف گرفته، الكترون هاي آزاد لايه يونوسفر را در بالاي آتمسفر در ارتفاع حدود ۲۷۵ كيلومتری كه از دمايي معادل ۱۴۰۰ درجه سانتیگراد برخوردار است، «منقلب» مي سازد و با اين كار مقادير زيادي انرژی به آنها منتقل مي كند. بدینسان، دما مي تواند تا ۲۰ درصد افزايش يافته، اين مناطق را كاملا منبسط سازد.

حيات اعلى: با اين وضع دنبال كردن (به تنهائي) موضوع گازهاي گلخانه ای به عنوان عامل گرم شدن کره زمین و... نوعي دنبال نخود سپاه فرستادن است.

با دستكاري در اين تزريق نيرو به يونوسفر، نوسانات وسيعي در اين لايه حاصل گرديده، آن را به آنتني با طول موج هاي بسيار مهم و فرکانس هاي بسيار پايين (از ۴۰ هرتز تا يك هزارم هرتز!) تبديل مي كند. برد اين امواج بدین ترتيب به هزاران كيلومتر رسيده، آنها را قادر مي سازد در هر چيزي بر روي کره زمین حتي بدن انسان، نفوذ كنند.

«هآرپ» پروژه مشترك نيروي هوايي و دريايي آمريكا است، اگرچه روس ها نيز از خيلي پيش بدان توجه دارند و اروپايي ها نيز به رغم اعتراض هايشان در خفا و از نزديك آن را دنبال مي كنند. چرا كه، كدام قدرت از تسلط كامل بر کره زمین و افراد بشر بيزار است؟

پاينگاه رسمي «هآرپ» در «گاكونا» آلاسكا واقع است. اين پاينگاه از ۳۶۰ آنتن به ارتفاع ۷۳ پا (۲۲ متر) تشكيل گرديده كه بر زميني به وسعت ۴۰۰ كيلومترمربع اشراق دارند. امكان تأسيس و نصب اين آنتن ها از سوي مالكان چاه هاي نفتي همجوار فراهم آمده است.

تكنولوژي مورد استفاده پروژه «هآرپ» براساس تجاربي پنهان كه سال هاست در اين منطقه كوچك انجام مي پذيرد، استوار بوده و پيشرفت هاي بسياري داشته است. **هدف عمده «هآرپ» كه در اصل يك سلاح كشتار جمعي است كه بخشي از برنامه نظامي «جوينت ويژن ۲۰۲۰» (Joint Vision 2020) «آمريكا به حساب مي آيد، عمدتا بر دانش دما و كنترل اندیشه به منظور آزمائش بر روي مردم متمرکز مي گردد. اين طرح به ظاهر با هدف كاوش ذخاير نفتي و كاني ارائه گرديده است، اما اهداف پنهان آن خطري براي بشريت محسوب مي شود.**

حيات اعلى: در سرايل علمي و مستند "عامل ناشناخته" بررسي حوادثي كه ناشي از عوارض فعاليت اين مركز بود مانند كباب شدن ناگهاني افراد مختلف در منازل و مراكز كار خود به تصوير كشیده شده بود.

نگراني سبزهاي پارلمان اروپا اجراي پروژه «هآرپ» بسياري از دانشمندان و كارشناسان تسليحاتي، و نيز نمايندگان پارلمان اروپا را بسيار نگران كرده است. به طوري كه، يك كارشناس انرژی به نام «گرانان هيلي» كه مشاورت نمايندگان پارلمان اروپا را برعهده دارد، هم اكنون درحال جمع آوري اسنادي است تا به كمك آنها بتواند به اين طرح «پايان جهاني» خاتمه بخشد.

و «مگوا هالووت»، نماينده بلژيكي كه رياست گروه سبزهاي پارلمان اروپا را عهده دار است، مسئوليت اين پرونده را به عهده گرفته، مسئوليت رسمي پيگيري درخواست هاي اعضاي گروه خود براي توضيح و وادار ساختن پارلمان اروپا به فشار بر ناتو- و از اين طريق، وادار كردن آمريكا به پاسخ به تمامي سؤالات لازم-، با اوست. «مگدا هالووت» تأكيد دارد كه اين نوع تسليحات علاوه بر پيامدهاي زيست محيطي، مي تواند آزادي هاي فردي و دموكراسي را نيز به خطر اندازد.

از ديگر سو، بسياري از دانشمندان، پژوهشگران، روزنامه نگاران و فعالان محيط زيست به اميد كشف چهره واقعي و پنهان پروژه «هآرپ» كه از سوي نيروي هوايي و دريايي آمريكا يك برنامه تحقيقاتي «ساده و بي خطر» معرفي شده است، نقش كارآگاه خصوصي را در ارتش آمريكا ايفا مي كنند. قدر مسلم آن كه، هيچگونه اتفاق نظري در مورد اين پروژه در آمريكا وجود ندارد و شهروندان آن به استفاده از اين گونه روش هاي «علمي» به شدت معترضند. مانند دكتور «روزالي تريبل»، يك شخصيت علمي رده بالا و بسيار شناخته شده كه در دوران رياست جمهوري «ريگان» مسئوليت تحقيقات پيرامون تأثيرات پروژه تسليحاتي «جنگ ستارگان» را برعهده داشته است. وي كه درحال حاضر مشاورت پارلمان اروپا را عهده دار است، تأكيد مي كند كه دانشمندان نظامي آمريكا تمامي توجه و تلاش خود را بر روي سيستم هاي آب و هوايي به عنوان يك سلاح بالقوه متمرکز ساخته اند.

در سال ۱۹۹۵، كتابي با عنوان «فرشتگان با اين هآرپ نمي نوازند» (توضيح م. «هآرپ» معنای ساز «چنگ» را دارد كه در اين جا نويسنده منظور خود را با بازي با اين واژه ادا كرده است) كه پروژه «هآرپ» را محكوم مي كند، در شمار پرفروش ترين كتاب سال آمريكا قرار گرفت.

پروژه «هآرپ» درواقع به لطف انتشار مقالات متعددي در روزنامه ها و نيز برنامه هاي متعدد تلويزيوني در اين زمينه، افشا گرديد و در پي اين افشاگري، موجي از مخالفت ها در برابر اين پروژه شكل گرفت. از ميان مخالفان اين طرح، اطلاعات ارزشمند دو دانشمند به نام هاي «ريچارد ويليام» (شيمي دان) و پروفيسور «زيلينسكي» (فيزيكدان آلماني و متخصص الكترونك كوانتومي) به نگارش كته متعددي پيرامون «هآرپ» انجاميد. به گفته اين كارشناسان، قدرت عظيم ارسال انرژی ايستگاه «گاكونا» مي تواند برآب و هواي هر كشوري تأثيرگذارد، پيامدهاي مثبت و يا فجايع بي شماري از قبيل زلزله هاي شديد، سيل ها، تسونامي ها و... به بار آورد. بدینسان، پروژه «هآرپ» كه مكمل زميني طرح «جنگ ستارگان» است، به دليل ماهيت ويژه سيگنال انتشار خود «سلاح نهايي» آمريكا محسوب مي شود.



يك پروژه ۳۰میلیون دلاری در پس این تحقیقات که در زمینه فرکانس های بالا انجام پذیرفته و در آفاق شمالی به اجرا درمی آید، در وهله نخست يك پروژه ۳۰میلیون دلاری نهفته است که ارتش آمریکا می کوشد آن را تحقیقاتی در منطقه یونوسفر جلوه دهد. بنیان این طرح به منظور جلب اعتماد افکار عمومی از هیچ تلاشی- چه به لحاظ انرژی و وقتی که صرف آن می سازند، و چه به لحاظ دلارهایی که در راه تبلیغات هزینه می کنند- فروگذار نیستند. معهذاً، هنگامی که می دانیم طرف های اصلی قرارداد نیروی دریایی و هوایی و وزارت دفاع آمریکا هستند، باور این مطلب که پروژه مزبور فاقد اهداف نظامی است، بسیار دشوار می گردد.

در عمل «هarp» به چه چیز شباهت دارد؟ درواقع، پروژه «هarp» از تأسیساتی گسترده تشکیل گردیده که چندین هکتار از زمین های «گاکونا»- منطقه ای کوچک در شمال شرقی «آلکوریک» آلاسکا- را به خود اختصاص می دهد. این محل چندان نیز دورافتاده نیست، چراکه تأسیسات مزبور در جوار ذخایر گازی و نفتی متعلق به شرکت «آرکو» (ARCO) «قرار دارد که درعین حال امتیازات تکنولوژیک تشکیل دهنده» هarp» را به خود اختصاص می دهد و شرکت پوششی این تجهیزات نیز هست. علاوه براین، «هarp» به یکی از قدرتمندترین رایانه های کره زمین- که در «دانشگاه آلاسکا» در «باتروویچ بیلدینگ» نصب گردیده- مرتبط است. درخصوص ظاهر آن نیز باید گفت که محیطی وسیع و بدون درخت است که در آغاز ۴۸ آتن ۳۰متری در آن نصب گردیده بود. هریک از این آتن ها به فرستنده ای به قدرت يك میلیون وات متصل است. طبق این پروژه، سپس بر تعداد این آتن ها و قدرت و رقم فرستنده ها افزوده شده، قدرت نهایی به يك میلیارد وات افزایش یافت که از ۳۶۰ آتن به دست می آمد. فرستنده ها توسط ۶ توربین به قدرت هریک ۳۶۰۰ اسب بخار تغذیه می شوند که ۹۵ تن مازوت در روز می سوزانند.

اما این تشکیلات به چه کار می آید؟ به طور رسمی، دانشمندی که بر روی این فرستنده رادیویی غول پیکر کار می کند، قصد مطالعه بر روی یونوسفر را دارند. با این حال و در پس پرده، «هarp» از لایه یونوسفر بهره گرفته، آن را به سلاحی ساخته شده از انرژی مبدل می سازد.

یونوسفر لایه فوقانی استراتوسفر بوده، از اجزای یونیزه بسیار پرباری تشکیل گردیده است. این لایه از ارتفاع متوسط ۴۸ کیلومتری سطح زمین آغاز می شود و تا ارتفاع ۶۰۰ کیلومتری بالا می رود. وجود این لایه که تراکم انرژی در آن بسیار بالاست، برای سیاره ما حیاتی است، چراکه همانند لایه اوزون نقش اساسی «سپر» را ایفا و ما را در برابر پرتوهای زیانبار خورشید محافظت می کند. لایه یونوسفر از جمله اجزایی را که بار الکتریکی داشته و از «بادها و توفان ها» ی خورشیدی و کیهانی به وجود می آید، «جذب» خود می سازد. تحقیقاتی که از يك قرن پیش توسط تعدادی از دانشمندان انجام پذیرفته است، نشان می دهد که این «مانتوی انرژی» که از زمین محافظت به عمل می آورد، می تواند به کمک يك تکنولوژی مناسب به سلاحی استراتژیک و بسیار مهم مبدل شود.

«هarp» براساس تحقیقات «برنارد ایستلاند» طراحی گردیده که خود از تلاش های «نیکلاتسلا»، يك دانشمند کروات و مخترع نبوغ اوایل قرن بیستم- که جریان آلتراتیو و نیز جریان سه فازه را مدیون وی هستیم- الهام گرفته است. «تسلا» از جمله روندی را بنیان نهاد که اجازه می داد مقادیر بسیار بالایی از انرژی الکتریک بدون کمک کابل در فاصله ای ۴۲ کیلومتری انتقال یابد. وی بخش اعظم تحقیقات خود را به «انرژی یونوسفریک» و پدیده های الکترومغناطیسی اختصاص داد. تأمین هزینه تحقیقات «تسلا» را «جی پی مورگان» بانکدار و شرکت «وستینگهاوس» برعهده داشتند، اما این حمایت بعدها به دلایل مالی متوقف گردید.

حیات اعلی: «نیکولا تسلا» مخترع اصلی برق خانگی AC است، همان برقی که همه ما امروز آنرا مصرف می کنیم و به دروغ آنرا به نام «ادیسون» شهرت داده اند، ادیسون مخترع برق صنعتی DC بود، اما نیکولاتسلا چون اختراع دیگری کرد که (همه مصرف کنندگان با نصب يك آتن ساده در حیات منزلشان می توانستند برق را از هوا بگیرند و مجاناً مصرف کنند) قارونهای جهانی که قصد استثمار بشر بوسیله برق را داشتند؛ با طرح او مخالفت کرده و حمایت مالی خود را از طرحهای او قطع کرده سپس به آزمایشگاه او دستبرد زده؛ کلیه نقشه ها و گزارشات علمی این طرح را ربوده، و با فاصله کوتاهی آزمایشگاه او را نیز آتش زده که بکلی سوخت و از بین رفت، او بعد از این واقعه بیمار شده و بلافاصله در تصادفی بطور مشکوک کشته شد، و اختراع برق خانگی را به نام ادیسون که با آنها همراه بود شهرت دادند.

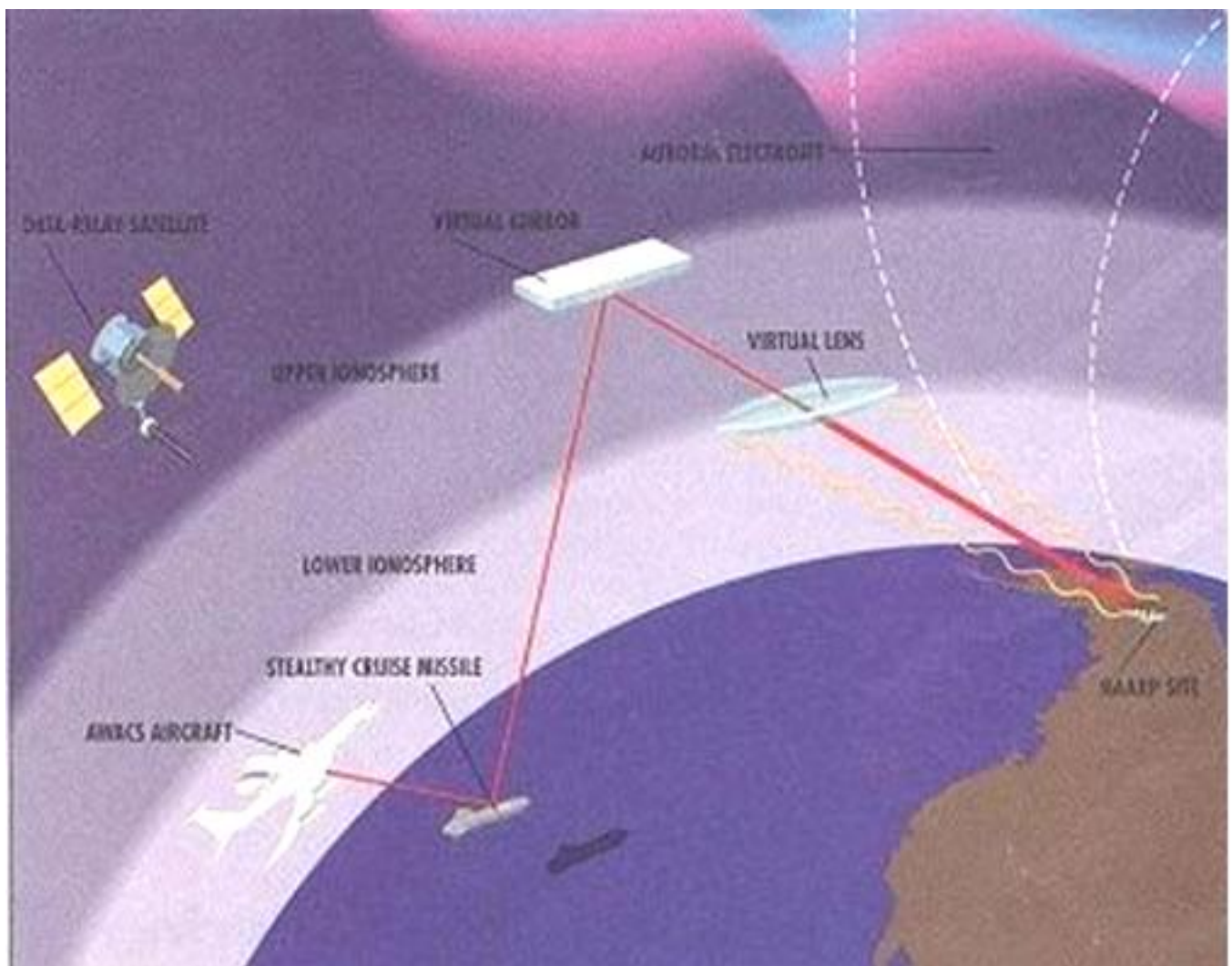


اندکی کمتر از یک قرن بعد، «برنارد ایستلاند» با استفاده از تحقیقات اولیه «تسلا» در زمینه انرژی الکترومغناطیسی، بین سال های ۱۹۸۷ و ۱۹۹۴ نتایج ۱۲ تحقیق خود را به ثبت رساند که ساختار پروژه «هارپ» و تکنولوژی های مشتق از آن در زمینه تسلیحات را تشکیل می دهند. اما، امروز مالک اصلی امتیاز اختراعات ثبت شده دیگر «ایستلاند» نیست، بلکه شرکت «آپتی-آرکو» (Apti-Arco)، یک کنسرسیوم نفتی است که در پس خود نیروی دریایی و هوایی و نیز وزارت دفاع آمریکا را دارد. از هنگام ثبت تحقیقات «ایستلاند»، هرگونه تحقیقی در زمینه انرژی الکترومغناطیسی- حتی با اهداف پزشکی- مسدود گردیده و بدینسان، میدان بسیار نویدبخش وسیعی از علوم و پزشکی به انحصار منافع ارتش آمریکا درآمده است.

جنگ امواج؟! تمامی تکنولوژی به کاررفته در «هارپ» برپایه نشانه روی مجموعه ای از امواج بلند به سمت یونوسفر، و سپس مشاهده نتیجه آن استوار است. پیامد بمباران منطقه ای مشخص از یونوسفر به کمک امواج بلند، ایجاد آینه مجازی عظیمی است که همانند یک آنتن عمل می کند. این آنتن مجازی فرکانس هایی بسیار کوتاه را به زمین ارسال می دارد. برای تصویر بهتر عمل صورت گرفته، می توان گفت که علاوه بر آنتن مجازی که بدین شکل در آسمان پدید آمده است، نوعی «مایکروفر» عظیم در بخشی مشخص از یونوسفر به وجود می آوریم. و وای به حال هواپیماها و موشک هایی که در این لحظه از آسمان عبور کنند! برحسب قدرت فرستنده ها، می توان همچنین سیستم های راهنمای الکترونیکی، رادارها و دیگر دستگاه های رادیویی این موشک ها و فضاپیماها را کاملاً مختل و یا آنها را به سادگی «کباب» کرد!

از دیگر سو، به لطف آنتن مجازی تشکیل شده از امواج فوق کوتاه، این امکان نیز پدید می آید که پوسته زمین تا اعماق بسیار زیاد اسکن و به نوعی رادیوگرافی شود. بدین ترتیب، **نظامیان آمریکایی با افتخار تمام مدعی اند که به کمک «هارپ» دیگر هیچ کشوری قادر نخواهد بود پایگاه های مخفی زیرزمینی خود را که پناهگاه سلاح های هسته ای هستند، پنهان نگاه دارد...** طبق تحقیقات کارشناسان تسلیحاتی آمریکا، همچنین می توان با زیردریایی هایی که در اعماق آب در دورترین نقاط اقیانوس ها سیر می کنند، ارتباط برقرار کرده، هر نوع موشک یا هواپیمایی - حتی هواپیماهای «فریتو - «را که وارد فضای هوایی آمریکا شوند، ردیابی و یا نابود کرد. هدف نهایی، ایجاد یک سپر محافظ کلی است که قادر باشد اهداف دشمن- اعم از هسته ای یا متعارف- را از یکدیگر متمایز ساخته، به شیوه ای متناسب به آنها «بپردازد». **و بالاخره، هدف «هارپ» به ویژه جلوگیری از برقراری کلیه ارتباطات رادیویی و ماهواره ای دشمنان در منطقه ای مشخص است.** علاوه بر این، با تحقق این پروژه، صاحبان آن خواهند توانست سیستم ارتباطاتی خود را به سیستمی تقریباً غیرقابل نفوذ مبدل سازند.

حیات اعلی: اگر اشعه رادیولوژی که تنها با فاصله چند سانتیمتری توانائی اسکن اعضای انسان را دارد آنقدر خطرناک و آسیب زننده است، بر واضح است که تشعشعات امواجی رادیویی در مقیاسی به این عظیمی که می تواند اعماق زمین و دریا اسکن نماید جقدر خطرناک و بیماریزا می تواند باشد، خصوصاً برای کسانی که مستمراً در مناطقی زندگی می کنند که مورد اسکن مراکز جاسوسی نظام سلطه جهانی است.



استفاده از امواج و خواص الکترومغناطیسی آنها سلاحی است که به شکلی وحشتناک مؤثر واقع می گردد. دکتر «روزالی برتل» تأکید دارد که **آمریکایی ها آزمایشات خود پیرامون این گونه تسلیحات را از چهل سال پیش پنهان از دید همگان و با نادیده شمردن کنوانسیون های بین المللی آغاز کرده اند.** بدینسان، پروژه های متعددی شکل گرفته است که عبارتند از: «آرگوس» Argus ۱۹۵۸، استارفیش Starfish ۱۹۶۲، سولار پاورساتلایت Solar Power Satellite ۱۹۶۸ و ۱۹۶۷، اسپیس شاتل اکسپریمنتز ۱۹۸۵ Space Shuttle Experiments، مایتی اوکر 1986 Mighty Oaks، و یا «دیزرت استورم» Desert Storm ۱۹۹۱.

در تمامی این پروژه ها، به دلایل و بهانه های گوناگون چون قطع ارتباطات دشمن، سلاح های پلاسمایی و...، هدف جز بازی با یونوسفر و یا برخی امواج نبوده است. بنابراین، «هarp» آخرین فصل این پروژه هاست. آمریکایی ها حتی قصد دارند شبکه ای واقعی از ایستگاه های مشابه «گاکونا» در سراسر جهان پدید آورند و بدین گونه، نوعی سپر قابل تغییر برحسب اوضاع و احوال و شرایط برای خود برقرار سازند و بسیاری از دیگر قدرت ها نیز همین سودا را در سر می پروراند. در راستای این هدف است که می بینیم مجموعه های تحقیقاتی دیگری پیرامون یونوسفر، از جمله در پورتوریکو، نروژ (ترومسو)، پرو (خیکامارکا)، روسیه (در نزدیکی مسکو) و یا «نیژنی نوگورود» در اوکراین یا تاجیکستان به وجود آمده است.

بدینسان، مشاهده می کنیم که در پس این پروژه تحقیقاتی به ظاهر ساده «هarp» سلاحی مخوف نهفته است، و این سلاح مخوف چنین امکانی را فراهم می آورد که برحسب باند فرکانس به کار گرفته شده (بسیار بلند و یا فوق کوتاه)، تأثیرات خاصی - مانند کاوش در اعماق زمین از طریق اسکن آن، قطع کلیه ارتباطات هرتزی (جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱)، تغییر رفتار انسانی (جنگ خلیج فارس، افغانستان)، تغییر آب و هوا، «ذوب» هرگونه دستگاه پرنده در آتمسفر (جنگ ستارگان)، ایجاد زمین لرزه ها و توفان های ویرانگر، انفجارات قدرتمند در ارتفاعات (جنگ خلیج فارس) - از فاصله دور بر محیط زیست گذارده شود. نظامیان پنتاگون بر این ادعا هستند که قدرت انتقال این سیستم بسیار زیاد و تا بدان حد است که یونیزاسیون لایه های فوقانی آتمسفر را برمی انگیزد و آن را به آینه ای بازتاب دهنده مبدل می سازد، و بدین گونه است که با استفاده از این پدیده امکان برقراری ارتباط با واحدهای دریایی و هوایی فراهم می آید.

حیات اعلی: در خبرهای ماه اخیر آمده بود که: شبکه های ماهواره ای نیلسات و هاتبرد ناچار به قطع برنامه های تلویزیونی فارسی شبکه خبری بی بی سی گردیدند، و بی بی سی نیز مجبور به استفاده از ماهواره هایی در مدار دورتر گردید، این امر در اثر حملات تشعشعی امواج قوی از زمین بوده که از شدت حرارت نزدیک بوده این ماهواره ها را بسوزاند! این امواج از نقطه ای در خاورمیانه ارسال شده است، مقامات نظامی و علوم پیشرفته آمریکا و غرب از اینکه این کشور به چنین فناوری پیشرفته ای دست یافته باشند متعجب شده اند. البته تاکنون بطور رسمی هیچ یک از کشورهای منطقه خلیج فارس؛ بدست آوردن چنین فناوری را اعلام نکرده و از مقدار توانایشان در این زمینه اطلاعاتی منتشر نکرده اند.

آنچه که نظامیان نمی گویند یکی دیگر از زمینه های اجرایی «هarp» که بسیار نگران کننده می نماید، سلاح روانی-الکترونیک است. در سال ۱۹۵۲، دکتر «خوزه دلگادو» استاد دانشگاه «پیل» آمریکا، به این مهم دست یافت که می توان با قرار دادن افراد در معرض برخی فرکانس ها و انواع موج ها، بر رفتار احساسی آنها تأثیر گذارد. دانشمندانی چون «دلگادو» و دکتر «رابرت بکر» بدین ترتیب موفق گردیدند ثابت کنند که دو موج در کنار یکدیگر قرار داده شده که فرکانس یکی از آنها تغییر یافته باشد، اثراتی به بار می آورند که براساس آنها می توان عملکردهای مغزی عمیق انسان را از فاصله دور تحت کنترل درآورد، و نتایج آن نیز «بسیار محسوس» خواهد بود.

در واقع، برخی امواج بسیار کوتاه (حدود ۷ هرتز) می توانند سبب پیدایش **عناصری شیمیایی در مغز گردند که «طیف وسیعی از پاسخ های احساسی و یا عقلانی» را برمی انگیزند.** و این، برنامه پنهان برخی قدرت ها از جمله سرکردگان نظامی آمریکاست که اربابانی «خودخوانده» اند و تلاش دارند تا از طریق نسلی تازه از سلاح های روانی-الکترونیک موسوم به «میلیتریو»، میدان الکترومغناطیسی قدرتمندی را- که به کمک سیستم «هarp» و برحسب نیاز تغییر یافته است- انتقال دهند. هدف، خنثی کردن نیروهای دشمن و یا کنترل کامل بر مردم بدون اطلاع آنهاست.

از دیگر سو، به لطف تلاش های «بلاکمن» و «رزی ادی» می دانیم که امواج انتقالی تغییراتی در فشار خون پدید آورده، سبب تغییر جریانات یون های کلیسم، پتاسیم و سدیم می گردند. این جریانات با عبور از جداره های سلولی سیگنال هایی میکروالکترونیک به وجود می آورند که در سیستم عصبی پخش گردیده، مغز را از آنچه در اطرافمان می گذرد، مطلع می سازند. بدینسان، مغز پس از آگاهی از اطلاعات به نوبه خود سبب واکنش یک ماهیچه، اتخاذ یک تصمیم و بروز یک احساس و یا حتی یک بیماری می گردد. علاوه بر این، این امواج PH خون را تغییر داده و سیستم ایمنی بدن را تضعیف می کنند.

به این ترتیب، اگرچه (طرح نهایی این) پروژه مزبور به داستان های تخیلی بیشتر شباهت دارد، **اما جامعه ای «روانی-متمدن» پدید می آورد که می توان با قرار دادن اعضای آن در معرض امواج الکترومغناطیسی، آنها را به اطاعت از یک «صدا» وادار ساخت.** همانطور که می دانیم، سرکردگان نظم نوین جهانی به دو گروه تقسیم شده اند: در وهله نخست، بانکداران جهان و آژانس های سیاسی و مذهبی که خواستار کنترل مطلق بر اقتصاد جهان از طریق پول جهانی و منابع طبیعی هستند، و سپس نظامیان و سرویس های مخفی که با دانشمندان تکنولوژی همدست و متحدند.

حیات اعلی: اللهم العن فرعون و هامان و قارون ومن مثلهم ویخذو حذوهم فی کل عصر و زمان. در اواسط سال های دهه ۱۹۷۰، زیگنیو برژینسکی رئیس شورای امنیت ملی در دوران ریاست جمهوری «جیمی کارتر»، چنین پیش بینی کرد که تکنولوژی کنترل افکار و مدیریت جامعه بتدریج ظاهر خواهد گردید. این جامعه گروهی از زیدگان را هدایت خواهد کرد که برای دستیابی به اهداف خود از هیچ کوششی، از جمله بهره گیری از ابزار تکنولوژیک، تأثیر بر مردم و نظارت و کنترل کامل بر جامعه، فروگذار نخواهند بود.

تمامی این حقایق در کتاب «فرشتگان این هارپ را نمی نوازند» آمده است. در سال ۱۹۹۷، «نیک بگیش» یکی از دو نویسنده کتاب در مصاحبه ای که در سایت «لیدینگ اج نیوز» انتشار یافت، اظهار داشت که نمایندگان پروژه «هarp» طرح هایی را تدارک می بینند که از مردم پنهان نگاهداشته شده، اما به کار نظامیان خواهد آمد. وی بر اساس مقاله ای از «واشنگتن پست» خاطر نشان کرد که مقصد ۴۰ درصد بودجه تجهیزات نیروی هوایی آمریکا پروژه های مخفی است و افزود: «این پروژه ها آنقدر مخفی هستند که کنگره آمریکا حتی نمی داند بر کدام پایه استوارند!»

حیات اعلی: والبتہ اگر بدانند هم فرقی نمی کند چون عمده آنها حامی این طرحها هستند، لعنهم الله واخزاهم وکفی الله المؤمنین شرهم.

از سال ۱۹۶۴، توجه نظامیان به گونه ای خاص به استفاده از امواج معطوف گردید. در همین زمان بود که دانشمندانی چون «رزی ادی» و «با وین» کشف کردند که یک فرکانس ۵۰ مگاهرتزی که به ۱۶ هرتز تغییر یافته باشد، شیمی مغز مرغ ها و گربه ها را مختل می سازد. برای ارتش ها کاملاً بارز بود که تجربه این امواج بر مجموع پستانداران می تواند سلاحی وحشتناک و بسیار مؤثر باشد.

سلاح های نوترونی به سه دسته تقسیم می شوند: سلاح های مرگبار با پرتوهای الکترومغناطیسی، سلاح های غیرمرگبار با هدف خنثی سازی موقت افراد که در تظاهرات های خشونت بار قابلیت استفاده دارد، و سلاح های القاکننده ذهنی یا کنترل رفتار.

کارشناسان استراتژی پنتاگون قاطعانه با استفاده از اینگونه روش ها موافقت دارند. این را در نشریه داخلی «انقلاب در امور نظامی» (مؤسسه تحقیقات استراتژیک- کالج جنگ ارتش آمریکا) که در دسترس عموم قرار ندارد، می خوانیم: «ارزش های ما تغییر می کنند و آفاق تازه ای به روی تکنولوژی گشوده می شود. مدت زمانی پیش، به هنگام جنگ سرد، عملیات و تسلیحات روانی هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار داشت. اما، اکنون که با به عصر الکترونیک و بیوالکترونیک می گذاریم، لازم است در مرزهای روانی و اخلاقی که با ممنوع ساختن هرگونه تکنولوژی که بتواند روح و روان دشمنانمان را، چه در داخل و چه در سطح بین المللی، به بازی بگیرد برای خود در نظر گرفته ایم، بازنگری کنیم... بلافاصله که امکان آن فراهم آید، شرکت های خصوصی و یا نیمه خصوصی را به بهره برداری از یک تکنولوژی مناسب تشویق خواهیم کرد. به همین ترتیب، می توانیم به کمک انواع تسلیحات جدید مانند سلاح های میکروبی فلج کننده، سلاح های روانی- تکنولوژی پیشرفته و... وارد عمل شویم!»

اما، واقعیت گاه از بهترین فیلم های تخیلی نیز فراتر می رود. روس ها و آمریکایی ها از هنگام برقراری پایگاه های خود در نقاط مختلف کره زمین، مشترکاً به استفاده از تکنولوژی «هارپ» پرداخته اند. این دو قدرت بزرگ که به ظاهر علیه یکدیگر عمل می کنند، پیوسته به میدانه نایب تحقیقات علمی خود پرداخته اند.

برخی تحلیلگران معتقدند که «هارپ» هیچ چیز پنهان در خود ندارد، چرا که اطلاعات پیرامون آن در اینترنت نیز انتشار یافته است. مدافعان «هارپ» همچنین مدعی اند که «گاکونا»- که در نزدیکی قطب واقع است- نمی تواند زبانی را که مخالفانش ادعا می کنند، به کره زمین وارد آورد. آنها حتی می گویند که ایستگاه «گاکونا» به هیچوجه به یک پایگاه نظامی نمی ماند، چرا که هیچگونه تأسیسات امنیتی، حصار یا سگ های محافظ و محافظان مسلح در آن دیده نمی شود.

در واقع، هرکس می تواند به منطقه آنتن ها نفوذ کند و در وهله نخست همه چیز شفاف به نظر می رسد. اما، اگر هدف از این شفافیت ظاهری پنهان ساختن جنبه حقیقی «هارپ» باشد، چه؟ پایگاه «گاکونا»، محل تولد «هارپ»، امروز به یک ویتترین تکنولوژیک تبدیل شده است و شعبات گوناگونی در خاک روسیه و آمریکا دارد. از دیگر سو، سیستم فرستنده «هارپ» به راحتی قابل انتقال به وسیله کامیون ها و یا هواپیمای بزرگ نظامی است. درواقع، عملیات «درهای باز» گاکونا هیچ چیز را ثابت نمی کند، چراکه استفاده از فیزیک کوانتومی را فاش نمی سازد.

فجایع طبیعی یا حمله نظامی؟ اتحاد شوروی سابق و آمریکا از سال های ۱۹۵۰ تمامی توجه خود را معطوف آتمسفر ساختند. دانشمندان این دو قدرت متوجه شده بودند که ارسال امواج یونیزه کننده بسیار قوی امکان تغییر آب و هوا را فراهم می آورد. در اواسط دهه ۱۹۷۰، مهندسان شوروی تمامی تلاش خود را برای دستکاری یونوسفر به کار گرفتند و فرستنده قدرتمند خود را به کار انداختند. بدینسان، مردم آلاسکا زمستانی به طور استثنایی گرم را پشت سر گذاردند، برای نخستین بار در میامی و جزایر باهاما که عملاً در خط استوا قرار دارند، برف بارید، و شوروی نیز از زمستانی ملایم بهره مند گردید. ایجاد نوعی آب و هوا در یک منطقه و یا یک کشور صرفاً با کاهش احتمال آن در منطقه ای دیگر میسر می گردد. در سال ۱۹۷۳، هندوراس کشور آمریکا را متهم کرد که با دزدیدن باران و تغییر مسیر توفان «فی فی» با هدف نجات صنعت جهانگردی خود، این کشور را با خشکسالی عظیمی روبرو ساخته است. این توفان خساراتی به بار آورد که در تاریخ هندوراس بی سابقه بود! السالوادور نیز اتهاماتی مشابه به آمریکا وارد آورد، و ژاپن مدعی شد که با ایجاد توفان در «گوام»، باران لازم برای ادامه حیاتش



را دزدیده اند. در این حال، (زیمبابوه کنونی) و اسرائیل به دزدیدن باران کشورهای همسایه متهم شدند. طبق شایعات، دگرگونی عظیم آب و هوایی سال های ۸۲-۱۹۸۳ ناشی از پدیده «ال نینو» در اقیانوس آرام نیز بر اثر اقدامات شوروی در یونو سفر پدید آمد. اما، به شکلی شگفت انگیز بازگشت «ال نینو» پس از آن تأثیراتی مشابه برجای نگذاشت.

در دسامبر ۱۹۷۵، «هوارد بندیکت» خبرنگار آسوشیتدپرس، در گزارشی پیرامون جنگ آب و هوایی با عنوان «آب و هوا، سلاحی مخفی؟»، درمورد علت تکذیب وجود چنین سلاح هایی از سوی سخنگویان آمریکایی و روس نوشت: «اگر آنها اعتراف کنند که از سلاح های برتر آب و هوایی برخوردارند، تصور واکنش مردم چندان دشوار نخواهد بود. چراکه، کمترین ناهنجاری آب و هوایی آنها را به این فکر می اندازد که: جنگ است!»

و البته، نگران نکردن افکار عمومی یک اولویت است و رسانه های تحت کنترل کشورها در این راستا بسیار می کوشند. در فرانسه که سانسور درمورد پدیده های آب و هوایی کامل است، تنها یک نویسنده- «ژان مارک فیلترمن» کتابی درمورد جنگ آب و هوایی به نگارش درآورد که «سلاح های تاریکی» نام دارد. «ژان موسی برتبرگ»، خبرنگار هفته نامه «و.اس.د» نیز این شهادت را یافت که بنویسد: «سرویس های مخفی به دنبال تخیلات خود می روند. توفان های دسامبر ۱۹۹۹ پدیده ای طبیعی بود یا حمله تروریستی؟» این روزنامه نگار در تحقیقاتی پیرامون سرویس های ویژه و نظامی مختلف آمریکا در سال ۱۹۷۰ فاش ساخت که «زیگنیو برژینسکی» در کتابی پیرامون کنترل وضعیت آب و هوا تحت عنوان «بین دونسل»، پرده از برنامه نظامی جنگ مخفی جدید آمریکا برداشته است. جنگی نامرئی با هدف نابودی بخش های مختلف تولید در کشورهای رقیب: «تکنیک های تغییر آب و هوا می تواند در راستای ایجاد دوران های طولانی خشکسالی و یا بارانی به کار رود.» سلاحی خاموش برای جنگی بی صدا!

کنترل افکار دانشمندان می گویند، نظامیان هنوز در مراحل تجربی کارهای خود قرار دارند، اما در همین حد نیز نتایج بدست آمده بسیار «نویدبخش» است. نشریه «دیفنس نیوز»، ارگان نظامی رسمی آمریکا (شماره ۱۹ مورخ ۱۳ آوریل ۱۹۹۲) پیرامون جنگ خلیج فارس و عملیات «توفان صحرا» در سال ۱۹۹۱ نوشت: ایالات متحده در میدان نبرد سلاحی الکترومغناطیسی EMP Weapon به کار گرفت که هدفی دوگانه داشت: قطع هرگونه ارتباط رادیویی دشمن، و تأثیری وحشتناک در زمینه جنگ روانی! بدین ترتیب، بهتر می توان درک کرد به چه دلیل ده ها سرباز عراقی بدون جنگیدن خود را تسلیم کردند.

دیگر شکل بکارگیری تکنولوژی چند منظوره «هارپ»: انتقال مقادیر بسیاری انرژی بدون استفاده از کابل است، که به عنوان مثال برای تغذیه باتری های الکتریک یک زیردریایی کاربرد دارد. اما، زمینه اجرایی دیگری نیز وجود دارد که بسیار وحشتناک است. کافی است آزمایشات مخفی و وحشتناک انجام گرفته بر روی سربازان بیچاره را به خاطر آوریم که طی آنها مقادیر زیادی موادمخدر به منظور تغییر رفتار این سربازان به آنها تزریق گردید. و یا، همانطور که در بالا بدان اشاره شد، تأثیرگذاری بر فعالیت های مغزی به کمک امواج الکترومغناطیسی. دکتر «نیک بگیچ» بی تردید تأکید می کند که یکی از اهداف پروژه «هارپ» کاربردی کردن چنین سلاحی است. «خوزه دلگادو» و یا دکتر «رابرت بکر» موفق شده بودند نشان دهند که امواجی از نوع امواج بسیار کوتاه (ELF) به همراه یک جریان آلترناتیو فرکانس هایی را پدید می آورد که می توان از آنها با نتایجی کاملاً ملموس استفاده کرد. بنابراین، قابل درک است که تکنولوژی هایی از این دست برای کارشناسان استراتژی پنتاگون بسیار جذاب بنمایند.

منابع مقاله: سایت های علمی مرکز هارپ آلاسکا، مولتی مانیا، ارت پالس، کنسپیراسیون، موندیالیزاسیون، آلترانفو، سیتی نت، ژئو لیبرتر، بیلیت نامبرز. ترجمه و تنظیم: خانم مژگان نژند.



به آسمان نگاه کنید! زلزله‌ها از آسمان می‌آیند

مقدمه (نویسنده مقاله): مدتی است که با یک تکنولوژی استثنائی به اسم "هarp" آشنا شده‌ام و در پیامد این آشنایی تمام اینترنت را برای منابع ایرانی در مورد این موضوع گشتم، اما به نتیجه‌ی خاصی نرسیدم. اگر شما در گوگل "HAARP" را جستجو کنید به هزاران هزار وب سایت برخورد خواهید کرد که در مورد HAARP نوشته‌اند... اما همه‌ی آنها به انگلیسی هستند. نهایتاً ایرانی‌های عزیزی که با زبان انگلیسی آشنایی ندارند در مورد این مسئله‌ی حساس؛ خبری نخواهند داشت، و ندانستن به این معنی است که از طریق هarp هر آسیب و بلایی که دلشان می‌خواهند سر مردم دنیا بیاورند، و در اخبارها و روزنامه‌ها به عنوان "پدیده‌های طبیعی" تقدیم مردم کنند و مطمئناً کسی که در مورد هarp چیزی نمی‌داند خام این حرف‌ها خواهد شد.

حوادث طبیعی در طول میلیون‌ها سال طبیعی بوده‌اند بغیر از دهه‌های اخیر که این حوادث برخی طبیعی و برخی دیگر از طریق تکنولوژی‌های پیشرفته تولید و به جان و مال مردم لطمه می‌زنند. این حوادث ظاهراً طبیعی که غیر طبیعی تولید میشوند (مثل زلزله، طوفان‌ها، خشکسالی‌ها و سیل‌های بی‌شاخ و دم) را امروزه از طریق فرستادن مایکروویو (microwave) از ماهواره‌ها و پروژه‌های هarp بوجود می‌آورند. قابل گفتن است که زلزله را نیز میتوان از طریق انفجار بمب اتمی در جاهای عمیق نیز تولید کرد.

من به عنوان شخصی که با تحقیق هaim به دنبال حقیقت‌های پوشیده‌هستم، وظیفه‌ی خود می‌دانم که جواب‌هایی را که پس از مطالعه در این مورد به دست آورده‌ام را به زبان فارسی، همراه با عکس و فیلم در اختیار ایرانیان بگذارم. اگر چه این مسئله یک مسئله‌ی جدید و در عین حال به اثبات رسیده است، ولی با این حال در مورد آن تبلیغاتی انجام نمی‌شود. من نیز مسئله را از لحاظ علمی به طور مطلق مطرح نخواهم کرد. آنچه را که می‌خوانید بیشتر جنبه‌ی آگاهی دارد و تحقیق بیشتر در این مورد به عهده‌ی شما خواهد بود. از هر کسی که این مقاله را می‌خواند خواهش می‌کنم این مسئله را جدی بگیرد. برنامه‌های وحشتناکه هarp در راه است و همینطور که خواهید خواند علائم آن در ایران دیده میشود. این نوشته را بخوانید، و به این بلاگ در بلاگ‌هایتان لینک بدهید یا حتی نوشته‌ی من را در بلاگ‌هایتان بگذارید، به دوستان ایمیل کنید، و کلاً از هر طریقی که می‌توانید دیگران را نیز مطلع سازید، تا شاید بتوانیم جلوی عملکرد این سیستم و آن‌هایی که کنترلش می‌کنند را بگیریم.

<http://www.zoodi.com/121/soraya.blog/h-sound.mp3>

هarp چیست؟ به صدای هarp گوش دهید:

هarp یک پروژه تحقیقاتی است که در ظاهر برای بررسی و تحقیق درباره لایه‌ی آیونوسفر (Ionosphere) و مطالعات معادن زیر زمینی (با استفاده از امواج رادیویی ELF/ULF/VLF) تاسیس شده است. ولی در واقع "پروژه‌ای با تکنولوژی جنگ ستارگان" به منظور کامل کردن یک سلاح جدید پایه گذاری گردیده است. (توضیح آنکه: جنگ‌هایی که از امواج "رادیویی"، "لیزر" و "نیروی مغناطیس" برای صدمه به نیروی مقابل استفاده کند به جنگ ستارگان معروف است و این اسم را از فیلم Star War گرفته‌اند)

آیونوسفر چیست و کجاست؟



لایه‌ی آیونوسفر در بالاترین لایه‌ی اتموسفر (Atmosphere) قرار دارد. این لایه تشعشعات خطرناک "ماورای بنفش" و "اکس ری" خورشید را جذب کرده و مانند سقفی از ورود آنها به زمین جلوگیری می‌نماید تا زندگی بر روی کره زمین امکان پذیر گردد. همچنین به دلیل محیط الکتریکی موجود در آیونوسفر از این لایه برای انعکاس امواج رادیویی به اطراف زمین استفاده می‌شود. اگر این لایه به هر دلیلی دچار اختلال شود تأثیرات بسیار زیادی بر روی زمین گذاشته و زیستن را مختل می‌کند.

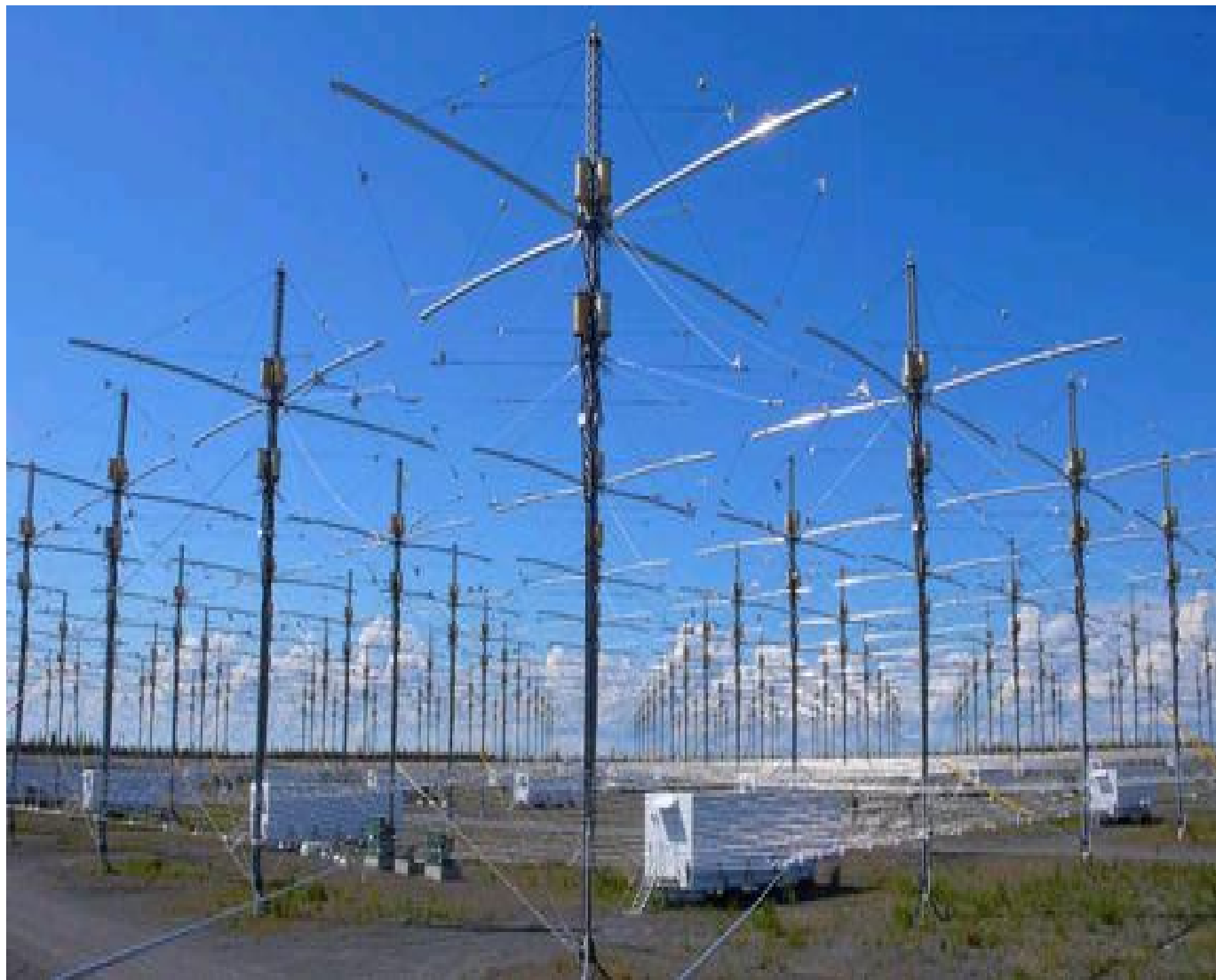
لایه آیونوسفیر چه ربطی به هارپ دارد؟

سیستم هارپ طوری طراحی شده است که بر روی آیونوسفیر تاثیر مستقیم داشته باشد. از نمونه های این تاثیرات قرمز و گداخته شدن و یا ذره بینی نمودن لایه را میتوان نام برد.

این سیستم در حال حاضر از یک مجموعه آنتن های مخصوص (۱۸۰ برج آنتن آلومینیومی به ارتفاع ۲۳/۵۰ متر) تشکیل و بر روی زمینی وسیعی به مساحت ۲۳۰۰۰ متر مربع در آلاسکا (Alaska) نصب گردیده است.

آنتن های هارپ با پرتاب رادیو فرکانس های بالا به آیونوسفیر می توانند ناحیه وسیعی از آیونوسفیر را گرم کرده و در نتیجه این ناحیه به تپش افتاده و در اثر آن امواج پایین و فوق پایین [ELF/ULF/VLF](#) تولید و به زمین فرستاده شوند.

لازم به توضیح است که از میان تاسیسات مشابه آن در دنیا، هارپ تنها سیستمی است که عملا قادر است جهت و زاویه پرتوها را کاملا در کنترل داشته باشد و هر ناحیه از آیونوسفیر را که بخواهند هدف گیری کنند.

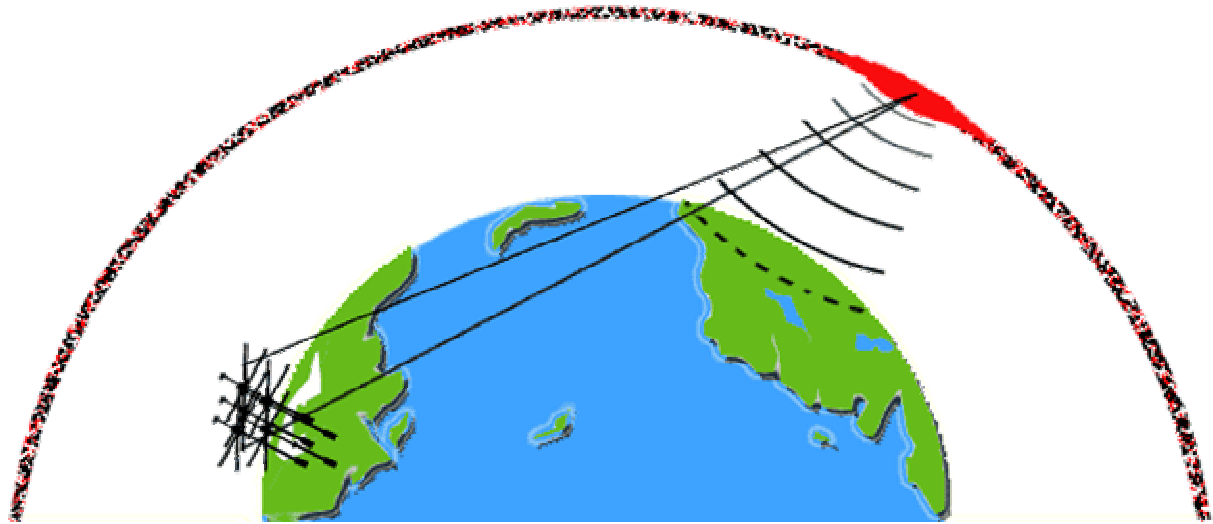


آنتن های هارپ در آلاسکا

اصولا امواج آنتن ها پس از اصابت به آیونوسفیر و بازگشت به زمین قادر اند نه تنها به عمق دریا بروند بلکه فرا تر رفته و به اعماق زمین نیز وارد میشوند و عملکرد آن بمانند "رادیو ترموگرافی" (Radio Thermography) است که امروزه ژئولژیست ها برای اکتشافات مخازن مختلف شامل گاز و نفت استفاده می کنند.

وقتی یک موج پایین "رادیو ترموگرافی" به داخل زمین فرستاده میشود به لایه های مختلف برخورد کرده و آن لایه ها را به لرزه می آورده و از لرزش صدایی با فرکانسی مخصوص تولید و به سطح زمین باز میگردد و ژئولژیست ها از صدای بازگشتی قادرند مخازن زیرزمین را شناسایی کنند.

با این تفاوت که رادیو ترموگرافی سیستمی است که با قدرتی به کوچکی ۳۰ وات لایه های زیر زمینی را به لرزه درمی آورد و حال آنکه هارپ سیستم فوق العاده پیشرفته تری است که همان لایه های زمین را می تواند با استفاده از قدرتی برابر با ۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (یک میلیارد) تا ۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (ده میلیارد) وات بلرزاند! بدیهی است که هر چقدر قدرت امواج بیشتر می شود، تاثیراتش بر روی آیونوسفیر و اثرات ذره بینی آن بالاتر می رود. هدف از استفاده از این قدرت چیست؟



از نمودار فوق متوجه می شوید که آیونوسفر گداخته شده (به رنگ قرمز دیده می شود) و سپس مثل یک قلب شروع به تپش میکند و از این تپش ها، فرکانس های فوق پایین تولید شده که پس از اصابت به زمین به داخل آن نفوذ مینماید و در توضیحات زیر مشاهده خواهید کرد که چگونه از این فرکانس فوق پایین و نیرومند، زمین زلزله و خرابی تولید میگردد.

برای درک چگونگی ایجاد زمین لرزه یک مثال بزنم: وقتی شخصی صحبت میکند، اول تارهای صوتی او می لرزند (مثل لرزش های ایجاد شده در آیونوسفر). از این لرزش فرکانس صوتی تولید شده و پس از اصابت به پرده گوش شنونده، پرده گوش او را می لرزاند (مثل به لرزه در آوردن لایه های زیر زمین به سبب اصابت فرکانس های تولید شده از آیونوسفر) و سپس در گوش صدا تولید شده و شنونده آنرا به شنود.

خوب حالا که چی؟ با کمی فکر کردن می توان متوجه این شد که تکنولوژی هارپ "با ویژگی معادن یابی" برای پیدا کردن مخزن های گازی و نفتی ساخته نشده است! زیرا برای پیدا کردن مخازن نیاز به یک میلیارد وات نیست و یک ترموگراف برای این کار کافیهست. با توجه به تاثیرات هارپ بر روی آیونوسفر و نهایتا تاثیرات آن بر روی زمین و وضعیت آب و هوا، می باید در مورد این تکنولوژی کمی جدی تر فکر کنیم. این تغییرات شامل خشکسالی در مناطقی که تا به حال بی سابقه بوده است، بارندگی های سیل آسا در جاهایی که به خشک بودن معروف هستند، طوفان ها و سونامی ها و ساده تر از همه ایجاد زلزله را میتوان برای هارپ به شمار آورد.

ناگفته نماند که امواج بازگشتی از آیونوسفر، پس از ورود به عمق دریا میتوانند صدمات جانی برای موجودات دریایی، به خصوص نهنگ ها و دلفین ها را در بر داشته باشند.

ارتباط حوادث مهم جهانی (بلاای طبیعی نما) با کاربرد های هارپ

۱- ایجاد موج ELF (Extreme Low Frequency) با فرکانس از ۱ تا ۲۰ هرتس به توسط آیونوسفر، که با برخورد امواج هارپ تولید شده و سپس به زمین فرستاده می شود و تا اعماق ۳۵ کیلومتری زمین نفوذ نماید که پس از برخورد به لایه های مختلف زیر زمینی تولید صدا نموده و در پی آن ایجاد زلزله می نماید.

<http://www.vlf.it/frequency/bands.html>

برای تعاریف "فرکانس باند" ها به این آدرس مراجعه کنید.

۳۰ دقیقه قبل از زلزله ی سیچوان (Sichuan) در چین در سال ۲۰۰۸، واکنش گذاختگی آیونوسفر در آسمان مشاهده می شد و در پی آن زلزله هولناک ۸ ریشتری در آنجا بوقوع پیوست.

فیلم کوتاهی از این گداختگی را تماشا کنید.

<http://www.zoodi.com/pages-misc/2008-vdo-bypage/China-Earthquake.html>



۲- با قابلیت تکنولوژی "ترموگرافی" می تواند کلیه اطلاعات معدن های زیر زمینی کره زمین را در اعماق کم شناسایی کند و کلیه تاسیسات زیر زمینی کشورهای دیگر را دقیقاً زیر مطالعه قرار دهد.

۳- ایجاد **سونامی**، خشکسالی، آتش فشان، سیل ها، طوفان هایی نظیر طوفان **کاترینا در نیواورلئان (New Orleans)** **طوفان گانو عمان**.

۴- انتقال نیروی برق از محل تاسیسات هارپ به نقطه ی دیگر از زمین و همچنین انتقال برق از زمین به ماهواره ها.

۵- ایجاد اختلال و کنترل فرکانس های نوری مغز در سطوحی به وسعت شهرها و **کنترل انسانها** از راه دور و ایجاد "غش" و تولید "وهم" در مغز انسانها.

۶- ایجاد اختلال در جریان برق و قطع برق شهری و اختلال در کار کامپیوتر هواپیماهای مسافربری، جت های جنگنده، کشتی ها، زیر دریایی ها و غیره. (مقاله ای از شرکت بوئینگ (Boeing) را در این رابطه بخوانید)

<http://www.geocities.com/area51/Shadowlands/6583/project041.html>

۷- ایجاد انفجار های عظیم زیر زمینی با قدرت بمب های اتمی و بدون تولید اشعه های رادیو اکتیو (Radioactive).

۸- اختلال در عملکرد طبیعی آیونوسفیر که چرخش زمین را در کنترل دارد. احتمال بسیار می رود که در صورت دستکاری های متناوب تاثیراتی در حرکت چرخشی زمین ایجاد گردد، بدین صورت که یا چرخش را سرعت بخشیده و یا کند نماید.

۹- ایجاد دیوارهای رادیویی ضد هواپیما و ضد موشک.

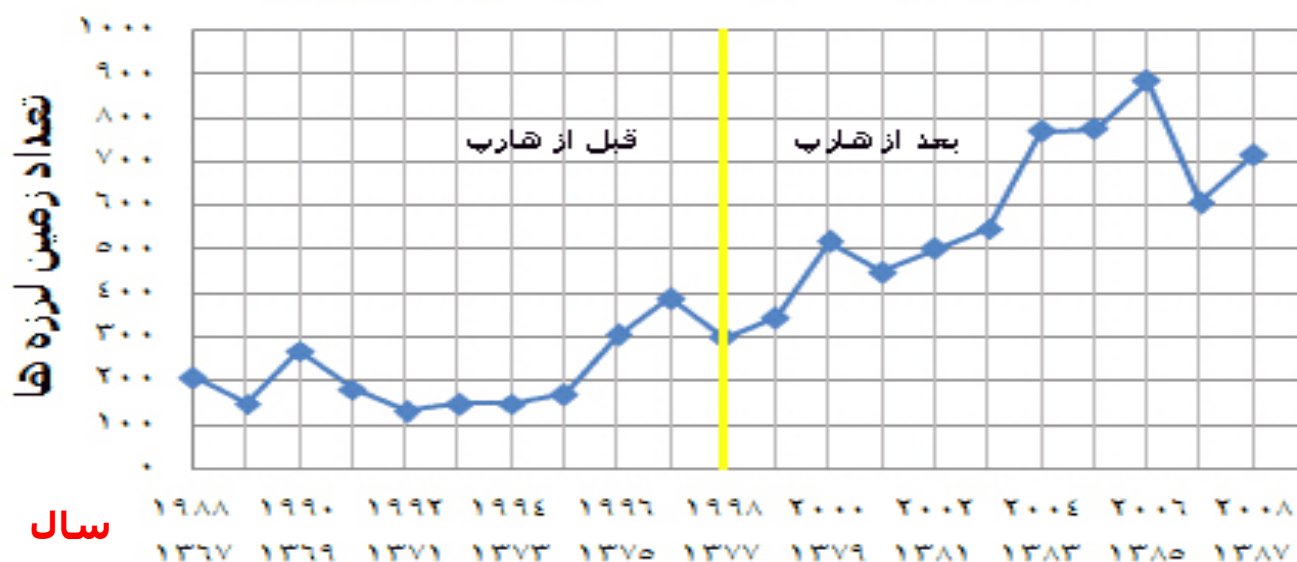
می توان به راحتی گفت که همه اسلحه های جنگی معمول و متداول امروزه در مقابل با این تکنولوژی جدید کاملاً متروکه به شمار می آیند به گونه ای که "هارپ" میتواند با یک عملکرد کلیه کامپیوتر های یک هواپیما را از فواصل دور از کار انداخته و آنرا سقوط دهد.

با دقت متوجه میشوید هارپ استفاده های زیادی بعنوان تهدید و یا سرکار گذاشتن کشورها دارد. مثلاً می خواهند به کشوری حمله کنند در این صورت برای جلوگیری از مزاحمت احتمالی کشور همسایه برای آنها زمین لرزه آورده و با سرکار گذاشتن آن کشور، برنامه های شوم خود را اجرا کنند.

در این مقاله ما فقط به نکته اول، یعنی فقط در رابطه با ایجاد زلزله بتوسط هارپ می نویسیم.

در ابتدا نگاهی می کنیم به تعداد زمین لرزه هایی که در بیست سال اخیر در ایران رخ داده اند. این اطلاعات را از وب سایت **"پژوهشگاه زلزله شناسی ایران"** به دست آوردم. این نمودار با توجه به تعداد زمین لرزه های بالای ۳ ریشتر تهیه گردیده است. نکته ی مورد توجه اینجاست که سیستم هارپ در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷) تکمیل شد و این مصادف با سالیست که از آن به بعد به تعداد زمین لرزه ها در ایران اضافه شده است.

زمین لرزه های ۲۰ سال اخیر در ایران

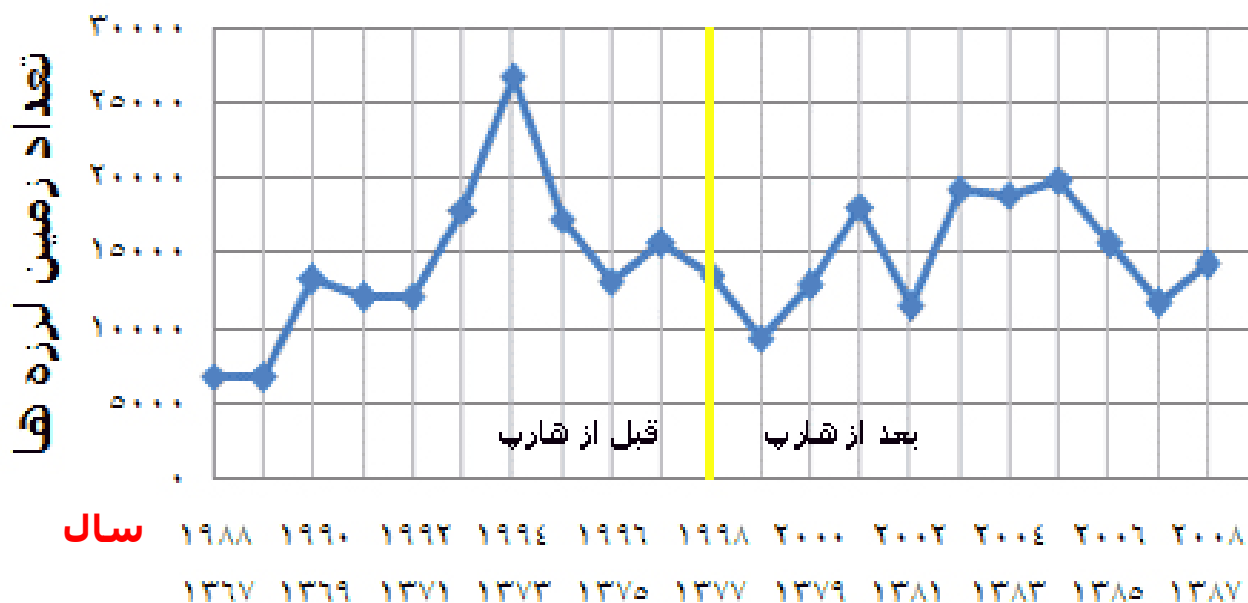


همان طوری که مشاهده می کنید، تعداد زمین لرزه هایی که در ایران در بیست سال اخیر آمده است رو به بالا بوده. محاسبات من اینگونه نشان میدهد که:

میانگین دهه ۱۳۷۷-۶۷ = ۲۰۸/۷ --- میانگین دهه ۱۳۸۷-۷۷ = ۶۳۹/۴ **افزایش در دهه اخیر برابر با : ۲۰۶/۴ درصد**

برای مقایسه نگاهی می کنیم به تعداد زمین لرزه های بیست سال اخیر در نیوزیلند که یکی از زلزله خیز ترین کشورهای دنیا می باشد. اطلاعات را از مرکز **"جی ان اس - نیوزیلند"** به دست آوردم.

زمین لرزه های ۲۰ سال اخیر در نیوزیلند

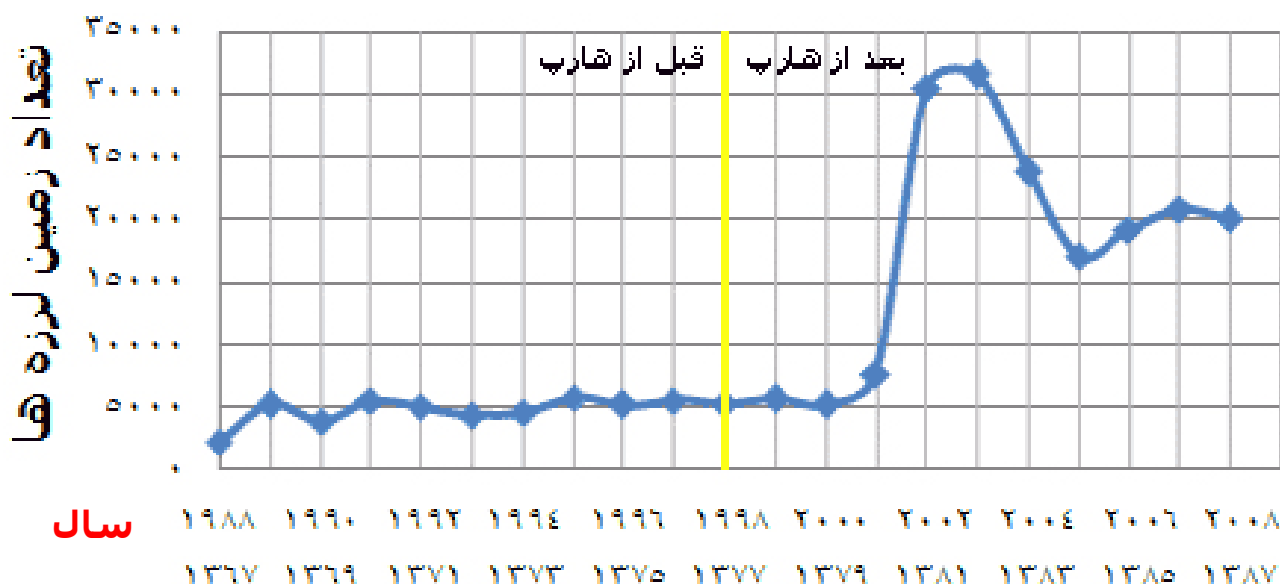


۱۵۵۹۳/۳ میانگین بین دهه ی ۱۳۶۷-۱۳۷۷ --- ۱۵۲۰۶/۲ میانگین بین دهه ی ۱۳۷۷-۱۳۸۷

کاهش در دهه اخیر برابر با : ۲/۴۶ درصد

اگر به نمودار زلزله در آلاسکا، که مجموعه ی هارپ در آن واقع است دقت کنیم متوجه افزایش بسیار غیر طبیعی را در سال ۱۳۸۱ مشاهده می کنیم که تعداد زمین لرزه ها به یکباره چهار برابر سال های قبل می شود. این تغییر ناگهانی شاید به دلیل آزمایشات تحقیقاتی مسئولین هارپ در این ایالت باشد. اطلاعات زیر از وب سایت "[مرکز اطلاعاتی زمین لرزه در آلاسکا](#)" به دست آمده است.

زمین لرزه های ۲۰ سال اخیر در آلاسکا



۴۷۷۳/۹ = میانگین بین دهه ی ۱۳۶۷-۱۳۷۷

۱۸۶۵۸/۴ = میانگین بین دهه ی ۱۳۷۷-۱۳۸۷

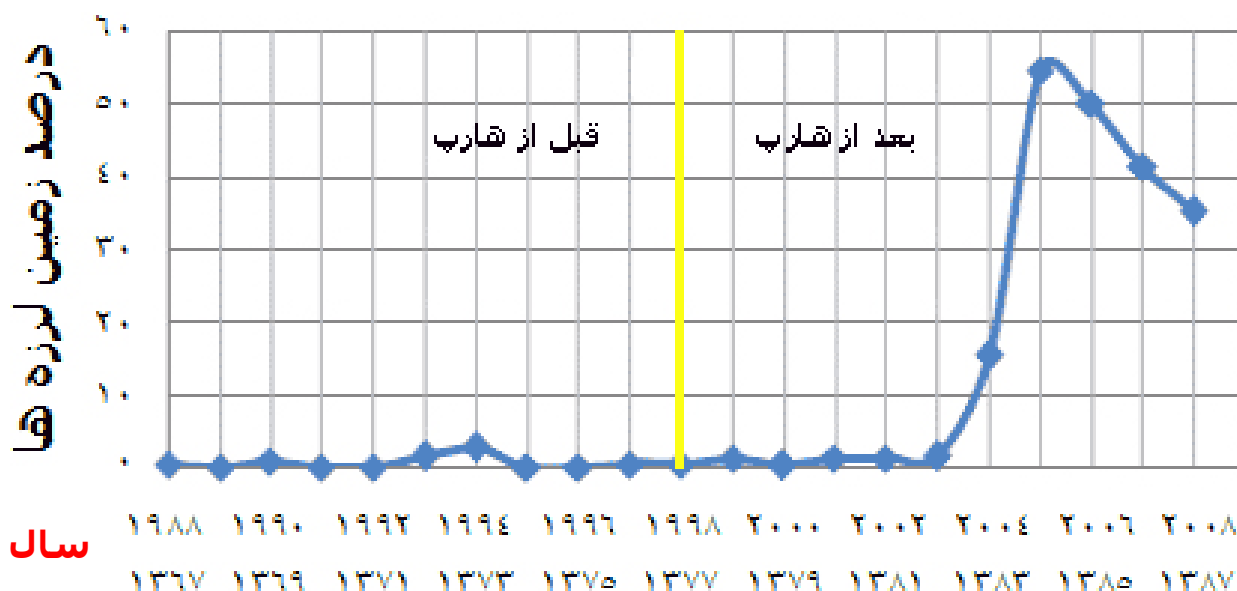
افزایش در دهه اخیر برابر با : ۲۹۰/۸

چرا درصد زلزله ها در عمق ۱۴ کیلومتر در ایران اینگونه بالا رفته اند؟

در حین جستجو ها به یک عدد ویژه ای برخورد کردم که به نظرم غیر واقعی رسید. سئوالی برایم پیش آمد که چگونه اغلب زمین لرزه ها در چند سال اخیر در ایران در عمق ۱۴ کیلومتر اتفاق افتاده اند؟ و وقتی نگاهی به دهه قبل انداختم متوجه شدم که عملاً درصد زمین لرزه ها در این عمق یا صفر بودند و یا حد اکثر تا دو درصد.

یاد آور می شویم: زمین لرزه های خطر ناک در لبه های "رگه گسل" یا "Fault lines" تولید می گردند.

درصد زلزله ها در عمق ۱۴ کیلومتر در ایران



ارگ بم ما چه شد؟



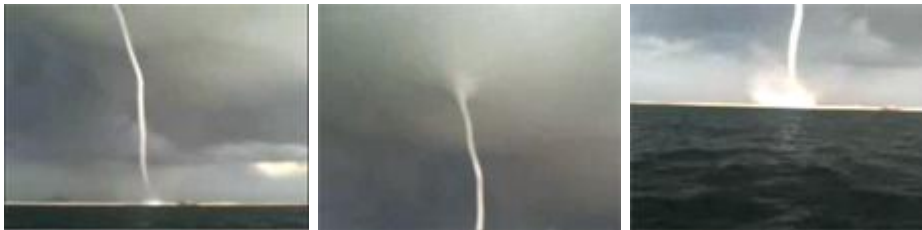
بم بعد از ۲۰۰۰ سال ایستایی در مقابل زلزله های طبیعی؟!

بم بعد از زلزله اخیر (بعد از فعالیت هارپ)

در اواخر آذر ماه ۱۳۸۷ در اینترنت به دنبال مطالبی در مورد زلزله در ایران بودم، که به تالار گفتگو وب سایت پی سی ورلد رسیدم. در آنجا به مطلبی که شخصی با نام "عادل کهن" (adelkohan) در مورد وقوع زلزله های پی در پی بندر لنگه نوشته بود برخورد کردم که در زیر مشاهده می کنید:

<http://blogfa.com/Desktop/forum.p30world.com>

من ساکن بندرلنگه هستم، شهری کوچک در کنار خلیج فارس. دو هفته قبل زلزله زیاد میومد که کمتر از ۳ ریشتر بود. این زلزله ها تا دو هفته ادامه داشتند. در موقع زلزله بعضی از قسمت های دریا برای چند لحظه قرمز میشد و در این دو هفته ماهی ها میمردند و بعضی ها هم سوخته بودند. بعد چند روز بوی بد (مثل بوی فاضلاب) از طرف دریا به سمت شهر اومد. در اخبار استان گفته بود که این به خاطر جلبک های سمی در دریا است (که من در این ۲۷ سالی که در بندرلنگه بودم جلبک سمی نشنیده بودم). بعد از این اعلام کرد که ماهی های بعضی مناطق استان را کسی مصرف نکند. من یک تکه از فیلم حادثه عجیب که در دریا رخ داده می گذارم و نگاه کنید. من خودم وقتی یک هفته زلزله پشت سر هم میکرد گفتم حتما کوه آتشفشان توی دریا است. حالا نظر دوستان چیه...



این کلیپ کمتر از یک دقیقه است و تماشای آن به شما توصیه می شود. هنگام تماشا به قرمزی روی سطح آب دقت کنید. برای تماشای این فیلم کوتاه به این آدرس نگاه کنید http://www.4shared.com/file/80567031/9c6fa63f/_.html

دلفین های ما چه شدند؟



در سال ۱۳۸۶، ۱۵۲ دلفین در خلیج فارس به طور غیر منتظره در دو نوبت به فاصله یک ماه مرده و به ساحل دریا کشیده شدند. دسته ی اول شامل ۷۹ دلفین و دسته دوم هم ۷۳ دلفین بود.

دلیل های مختلفی برای مرگ این دلفین ها آورده شد ولی اگر از من می پرسید هیچ کدام قانع کننده نیستند. این دلفین ها کاملاً مشخص است که سوخته اند! اینکه "خودکشی" کرده اند، یا اینکه به خاطر "فعالیت های صیادی" مرده اند جوابگوی سوختگی بدن های آنها را نمیدهد!

به گزارش خبرگزاری آفتاب "علت مرگ ۷۳ دلفین دیگر که يك ماه پس از حادثه نخست رخ داد را نیز این کارشناسان بین المللی در گزارش خود، 'عوامل طبیعی' اعلام کرده اند که در این گزارش هنوز عوامل طبیعی ناشناخته است و می تواند 'شوک' یا 'استرس' باشد که در نتیجه آن یکی از دلفین ها به سمت ساحل آمده و مابقی نیز به دنبال آن آمده اند یا یکی از آنها برای شکار ماهی به سمت ساحل آمده و بقیه نیز آمده اند و در ساحل که شیب ملایمی دارد، گیر کرده اند." ۱۳۸۶/۱۲/۲

آیا پاسخ به سؤال مرگ دلفین ها در خلیج فارس "هارپ" نیست؟



هارپ (HAARP) یک پروژه ایست که مسئولین اعلام کردند برای "بررسی و تحقیق" درباره لایه ی آیونوسفیر بر پا شده است. ولی در واقع این یک سلاح پیشرفته ی جنگی جدید است که کلیه ی اسلحه های صده ی قرن بیستم را فلج می کند.

هزینه های این پروژه مشترکا از طرف نیروی هوایی آمریکا، نیروی دریایی آمریکا، آژانس تحقیقاتی پروژه های دفاعی پیشرفته ی آمریکا و دانشگاه آلاسکا است. لازم به یادآوریست که سیستم "هارپ" در کشورهای گرین لاند، نروژ، شوروی و همچنین در روی بعضی از ماهواره ها به جهت فلج کردن سیستم رادیویی هواپیما ها و نهایتاً سقوط آنها استفاده میگردد.

آیا این سوختگی نیست؟؟؟؟؟

نتایج: همانطور که گفته شد ارتعاشات رادیویی هارپ باعث سرخ شدن لایه آیونوسفیر شده و این لایه را به نوسان در می آورد.

این نوسانات به نوبه خود موجب صدا با فرکانس های پایین از ۱ تا ۲۰ هرتس می شوند که فرکانس (Extremely Low Frequency/ Ultra Low Frequency ELF/ULF) نام دارند. این فرکانس ها پس از نفوذ به زمین، زمین زلزله ایجاد می کنند.

با توجه به ازدیاد درصد زلزله در سطح ایران، در دهه اخیر نسبت به دهه پیشین که متجاوز به ۲۰/۶٪ بوده است میتوان به وجود تاثیرات دیگری در ایجاد زلزله های مصنوعی پی برد، خصوصاً آنکه این ازدیاد پس از آغاز فعالیت های هارپ واقع شده اند.

پیشنهادهای برای پیش اخطار: اینکه همه باید در مورد هارپ و ماهواره هایی که دارای چنین تکنولوژی هستند کاملاً آگاه و مطلع باشند هیچ شکی نیست و قصد من در جمع آوری این اطلاعات صرفاً به همین منظور نیز بوده است. بنابراین تقاضای ما از شما خواننده ی محترم با فروتنی چیزی جز این نیست که آنچه را که در این مقاله خوانده اید به دیگران انتقال دهید. برای پیشگیری و دریافت پیش اخطار از این قبیل زلزله ها میتوان ایستگاههایی در حوزه های وسیع تاسیس و بکار گرفت و با اندازه گیری فرکانس صداهایی که از آسمان می آید به بروز این زلزله پی برد. زمان دریافت پیش اخطارهای ELF بین ۱۵ دقیقه تا ۳ ساعت قبل از وقوع زلزله متغیر است. زلزله ی چین ۳۰ دقیقه پس از مشاهده ی سرخی آیونوسفیر به وقوع



پیوست. اندازه گیری فرکانس ELF/ULF در جاهایی که خالی از فرکانسهای مزاحم دیگر از قبیل برق فشار قوی، فرودگاه ها، ایستگاه های رادیویی و تلفنی میباشد، انجام پذیر است. نمونه ای از یک دستگاه ELF/ULF سنج دستی و یک دستگاه Magnetometer را در زیر مشاهده می کنید. برای اطلاعات بیشتر بر روی آنها اشاره کنید.

<http://www.magneticsciences.com/Gaussmeter.html>

<http://www.lessemf.com/gauss.html>

پیام آخر: تصور نکنید که همه سیل ها، خشکسالی ها و زلزله ها طبیعی اند، خیر!

اول گرم شدن "جو" را به دروغ به مردم می فروشند و در اذهان جاسازی می کنند و بعد همه بلاهای شبه طبیعی را بر سر مردم آورده و اگر کسی سؤال کرد که "این همه سوانح از کجاست؟" می گویند "تقصیر از شما است که هوا را گرم می کنید!" **دیگر**

هدف من از جمع آوری و نوشتن این مقاله سیاسی نبوده و قصد تکرار شعار های "مرگ بر آمریکا" را ندارم و صرفا به جهت ابراز نگرانی و نیز آگاهی به خوانندگان تهیه کرده ام. **(البته آمریکا و همه فراعنه زمان مستحق مرگ و لعن و نفرین مدام هستند).**

و اما سؤال من از شما: آیا می توان نسبت به دو هفته زلزله مداوم در بندر لنگه بی اعتنا و بدون دانش بود؟ آیا این زلزله ها واقعا طبیعی است؟ و یا به ظاهر طبیعی و عملا ساخت بشر است؟ آیا می توان به تحقیق بیشتر در این زمینه ادامه نداد؟ تقدیم به ایران، شاد و موفق باشید...

حیات اعلی: بسیار ساده لوحانه است که در برابر چنین حوادثی گفته شود: ...ساخت وسازها اصولی و مهندسی باشد، بناها استحکام لازم را داشته باشند حادثه بم تکرار نگردد. محیط زیست را با دستان خود از بین نبریم و باعث گرم شدن کره خاکی و ازدیاد گازهای گلخانه ای نگردیم و بادستان خود فجایع خلق نکنیم....!!!

مراجع دیگر

ویدیوهای از ثریا محقق: چندین کلیپ ویدیویی برای تماشا و دانلود آماده کرده ام که دیدن آنها توصیه می شود. در حال حاضر تنها کیفیت خوب این ویدیوها آپلود شده اند.

هارپ در خلیج فارس و شاید جوابی به سوختن و مرگ دلفین ها؟ (حجم: حدودا ۲۰ مگابایت، مدت زمان: ۴ دقیقه ۲۲ ثانیه)
<http://www.4shared.com/file/88038497/7b4b03ae/HAARP-FARSI-HighQ.html>

نیاید زلزله بم دوباره تکرار شود (حجم: حدودا ۷ مگابایت، مدت زمان: ۱ دقیقه ۴۹ ثانیه)
<http://www.4shared.com/file/88038678/76f3e7df/Bam-Earthquake-HighQ.html>

نباید سونامی اندونزی دوباره تکرار شود (حجم: حدودا ۹ مگابایت، مدت زمان: ۲ دقیقه)
<http://www.4shared.com/file/88038758/4507ef6a/Indonesian-Tsunami-HighQ.html>

ویدیوها و کتاب هایی از محققان خارجی به زبان انگلیسی:

در مورد "هارپ" کتابی بنام **Angels Don't Play This HAARP** بتوسط Dr. Nick Begich نوشته و بر مبنای آن دو ویدیو:

<http://video.google.com/videoplay?docid=2804238542173218531>

یکی در سال ۱۹۹۵ بنام **Play This HAARP Angels Don't**

و ویدیوی دیگری در سال ۲۰۰۸ بنام **Angels Still Don't Play This HAARP** تهیه شده است.

<http://video.google.com/videoplay?docid=-8066925138937638623>

در مورد جنگ ویتنام (Vietnam) و باران های سیل آسا و دستکاری آب و هوا توسط آمریکا (اغلب باران های استوایی از طریق ماهواره و سمپاشی از هواپیما بر روی ابر ها ایجاد می شدند) آقای دکتر باب فیتراکس (Dr. Bob Fittrakis) کتابی بنام **Full Spectrum Dominance & Modification Weather** نوشته و فیلمی از کنفرانس خود در این زمینه تهیه کرده که بخشی از آن را در کلیپ ویدیویی بنام **WEAPONS THE MAD WHITE HOUSE WILL USE LASER** میتوانید مشاهده کنید.

<http://ca.youtube.com/watch?v=KNf4KF5Pv1o>

مقاله ای در مورد عملکرد هارپ در دانشگاه استنفورد (University of Stanford) به نام **PROJECT HAARP** تهیه شده است که فقط به جنبه تحقیقاتی هارپ نگاه می کند و به جنبه های غیر انسانی آن توجهی نشده است.

<http://star.stanford.edu/~vlf/pars/pars.htm>

سوالاتی به بقاء موجودیت و در آینده ای نه چندان دور **WORLDWIDE HAARP**؟

<http://www.scribd.com/doc/3688722/Haarp-Worldwide>

<http://www.vlf.it>

برای پیوند های مطالعاتی امواج رادیویی زیر فرکانس ۲۲ kHz به این آدرس بروید.

<http://www.fas.org/irp/program/collect/haarp-duma.htm>

پارلمان شوروی به هارپ چگونه فکر میکند؟

اعتراض شرکت بوئینگ (Boeing) به هارپ در این رابطه بخوانید.

<http://www.geocities.com/area51/Shadowlands/6583/project041.html>

پایان مقاله خانم ثریا محقق

کشور هائیتی



کشور هائیتی بخشی از جزیره هیسپانیولا واقع در دریای کارائیب را اشغال می کند و با کشور دومینیک، در بخش شرقی این جزیره، همسایه است. جمهوری هائیتی حدود ۹ میلیون جمعیت دارد که بیش از نود درصد آنان از نژاد سیاه و بقیه سفید پوست و یا از نژاد مختلط و اکثراً مسیحی پیروی کلیسای کاتولیک هستند و زبان رسمی این کشور فرانسه است. از نظر اقتصادی، هائیتی (قبل از زلزله) یکی از فقیرترین کشورهای جهان محسوب می شود و براساس تخمین های سازمان ملل، بیش از هشتاد درصد از جمعیت این کشور زیر خط فقر قرار دارند.

دوران برده کشی اروپایی: شبه جزیره هیسپانیولا از نخستین مناطقی در "دنیای جدید" بود که توسط غارتگران (کاشفان) اروپایی کشف شد و از قرن ۱۷ به بعد، ورود استعمارگران اروپایی به این سرزمین و بردگی آغاز شد و آن را به یک مستعمره فرانسه تبدیل کرد. تاریخ هائیتی با خشونت و نا آرامی همراه بوده است و شورش بردگان علیه اربابان سفیدپوست در اواخر قرن هجدهم سرانجام به پیروزی بردگان و اعلام استقلال این سرزمین منجر شد هرچند این واقعه به بحران های سیاسی در این سرزمین پایان نداد.

دوران اشغال امریکائی: هائیتی از سال ۱۹۱۵ تا سال ۱۹۳۴ در اشغال ارتش آمریکا بود و پس از خروج آمریکاییان توسط دولت های ضعیف و عمدتاً دست نشانده آمریکا اداره می شد. در سال ۱۹۵۷، پزشکی به نام فرانسوا دووالیه - موسوم به پاپا دوک - به ریاست جمهوری هائیتی انتخاب شد که در سال ۱۹۶۴، خود را رئیس جمهوری مادام العمر اعلام داشت و تا زمان مرگ در سال ۱۹۷۱، در راس یک نظام دیکتاتوری بر این کشور حکومت کرد. پاپا دوک، پسرش ژان کلود دووالیه جانشین او شد و سیاست استبداد داخلی و انزوای بین المللی را تا وقوع شورش های عمومی سال ۱۹۸۶، و سقوط از قدرت ادامه داد. سرنگونی حکومت دووالیه یک دوره هرج و مرج سیاسی را در پی آورد که با انتخاب ژان برتران آریستید به ریاست جمهوری در سال ۱۹۹۰ نیز خاتمه نیافت. در سال ۱۹۹۱، رای عدم اعتماد پارلمان هائیتی به کابینه و تلاش آقای آریستید برای حکومت فردی به یک بحران سیاسی و سرانجام، کودتای نظامی و فرار وی از کشور منجر شد. ژان برتران آریستید در سال ۱۹۹۴ به کشور بازگشت و بار دیگر سمت ریاست جمهوری را در دست گرفت و تا سال ۱۹۹۶ در این سمت ماند اما به خاطر ممنوعیت قانون اساسی، امکان انتخاب مجدد او نبود. وی بار دیگر در سال ۲۰۰۱ مقام ریاست جمهوری را در دست گرفت اما به دلیل شورش های سال ۲۰۰۴، توسط نیروهای آمریکایی از کشور خارج شد و این مقام به رنه پروال، از نزدیکان او محول شد و سازمان ملل به منظور حفظ امنیت داخلی، یک نیروی پاسدار صلح را در این کشور مستقر کرد.



اشاره به وسعت فاجعه زلزله هائیتی

صدها هزار کشته، ملیونها آسیب دیده و تمام کشور هائیتی بکلی ویرانه شده، همه مراکز اصلی حکومت و ساختمانهای ریاست جمهوری و قوه قضائیه و پارلمان و مراکز مهم کشور فروریخته و کلیه اسناد دولتی از بین رفته است.

به گزارش مرکز مراقبت های زمین شناسی ایالات متحده، زلزله روز سه شنبه در ساعت چهار و پنجاه و سه دقیقه بعد از ظهر به وقت محلی (نه و پنجاه و سه دقیقه شب به وقت گرینویچ) به بزرگی هفت درجه در مقیاس ریشتر بخش هایی از کشور هائیتی را لرزاند و در پی آن، دو پس لرزه شدید نیز در این منطقه روی داد.

کانون این زمین لرزه در نقطه ای واقع در حدود پانزده کیلومتری جنوب غرب پایتخت بود. در پی وقوع این زمین لرزه، ارتباط تلفنی با هائیتی دستخوش اختلال شد. گزارش های دیگر از مفقود شدن دویست نفر از میهمانان هتل مونتانا، که بیشتر مورد استفاده بازدید کنندگان خارجی است، حکایت دارد.

گروه های امداد بین المللی یکی پس از دیگری وارد هائیتی شده اند تا زنده یا مرده صدها هزار نفری را ردیابی کنند که قربانی زمین لرزه هولناک روز سه شنبه (۱۲ ژانویه)، در این کشور شده اند.

تخمین هایی که در مورد آمار کشته شدگان منتشر شده، متفاوت بوده است و برخی حاکی از دهها هزار و برخی دیگر رقم صدها هزار نفر را ذکر کرده اند.

به گفته شاهدان عینی، بسیاری از ساکنان پورتو پرنس، پایتخت هائیتی، از بیم وقوع پس لرزه های بعدی و ویرانی ساختمان هایی که در اثر زمین لرزه به شدت آسیب دیده، شب را در خیابان ها گذراندن در حالیکه خدمات شهری مختل شده و امکانات موجود از جمله در بخش خدمات درمانی جوابگوی نیاز ساکنان نیست.

به گفته یک مقام سازمان ملل متحد هزاران خانه مسکونی در پایتخت هائیتی ویران شده و به اکثر ساختمان ها و زیرساخت های شهری آسیب شدید رسیده است.

خبرگزاری ها از وجود انبوه اجساد قربانیان این واقعه در کنار خیابان ها و زیر آوار برجای مانده از ساختمان ها خبر می دهند و گزارش شده است که کاخ ریاست جمهوری، ساختمان پنج طبقه دفتر سازمان



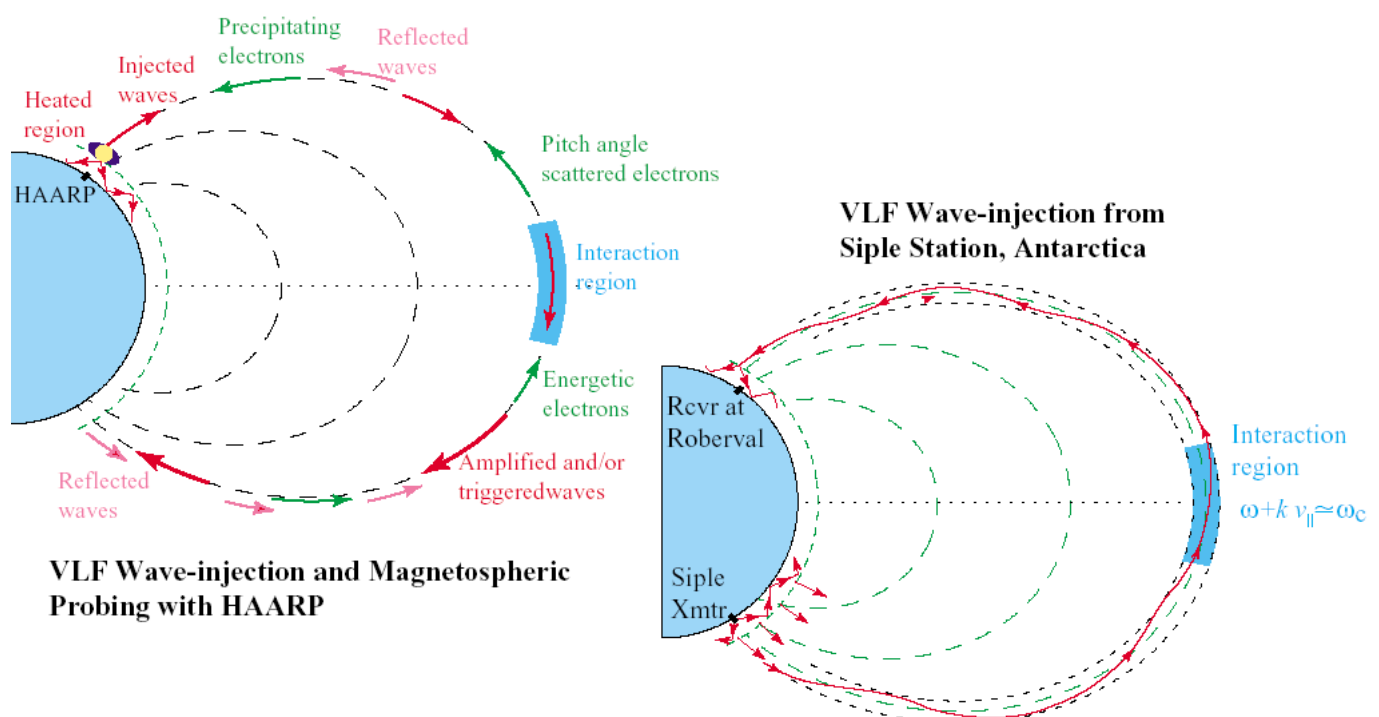


ملل متحد، چندین بیمارستان و مدرسه نیز در این زمین لرزه ویران شده است. رنه پروال، رئیس جمهوری هائیتی، دامنه خرابی ها را "بیرون از تصور" توصیف کرده است. رئیس جمهوری هائیتی در مصاحبه با خبرگزاری ها گفته است که در خیابان های پایتخت از میان انبوه اجساد کشته شدگان عبور کرده و صدای ناله کسانی را شنیده که در زیر آوار ساختمان پارلمان این کشور پر آوار گرفتار شده اند بی آنکه امکانات لازم برای کمک رسانی در دسترس باشد. وی تأیید کرد که بسیاری از مدارس و بیمارستان ها ویران شده و افزوده است که شمار نامعلومی از دانش آموزان زیر آوار مدارس مدفون شده اند. و گزارش شده که اسقف اعظم کلیسای کاتولیک پورتو پرنس نیز در میان کشته شدگان این زمین لرزه بوده است.

سازمان صلیب سرخ اعلام کرده است این زلزله بر زندگی ۳ میلیون نفر از مردم (یک سوم جمعیت کشور) هائیتی به نوعی تأثیر گذاشته است.

همزمان، شماری از کشورهای جهان آمادگی خود را برای کمک رسانی به زلزله زدگان اعلام کرده اند. دولت برزیل گفته است که به عنوان مرکزی برای هماهنگی این کمک ها عمل خواهد کرد. در حال حاضر، به دلیل آسیب جدی به زیرساخت ها و تشکیلات اداری پایتخت، نهادهای دولتی این کشور امکان ارائه خدمات لازم امدادرسانی را ندارند. بخش های وسیعی از پایتخت هائیتی به ویرانه تبدیل شده است.

حیات اعلی: از آنجا که گزارشهای بسیاری بطور مستمر از رسانه ها منتشر می شود و می توانید آنها را دنبال کنید؛ به همین اشاره مختصر اکتفا می کنیم.

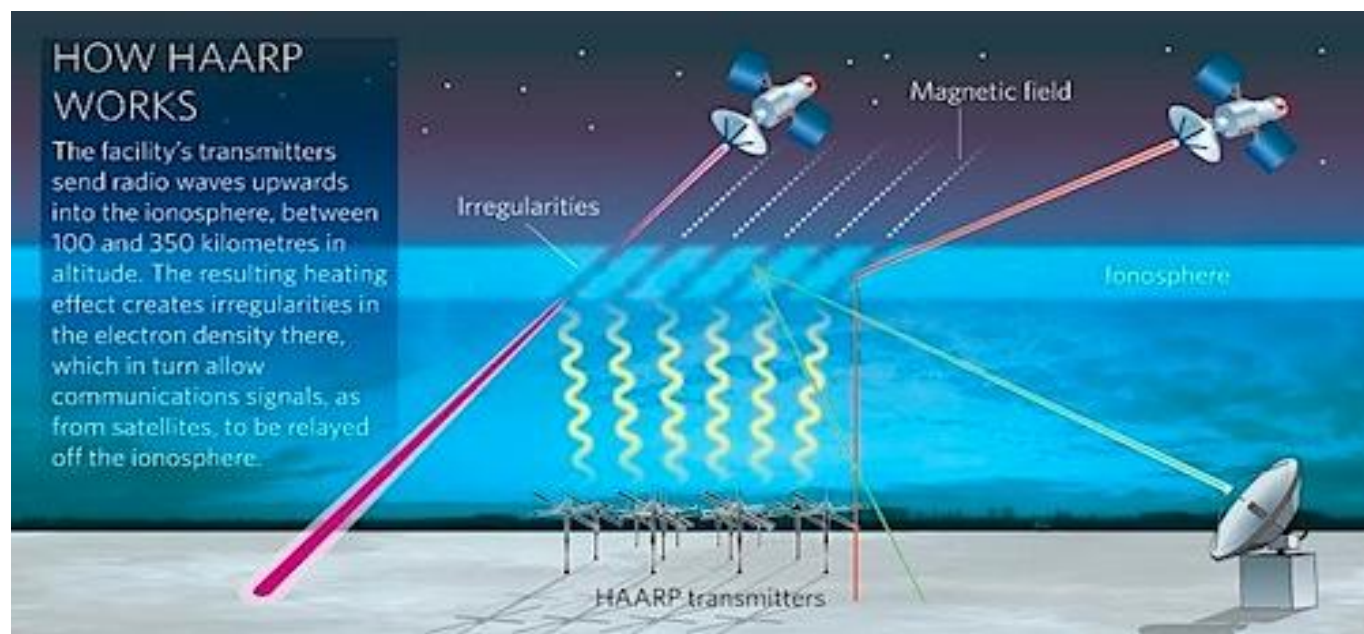


راز فاجعه زلزله هائیتی

آمریکا بجای گسیل نیروی امداد با نیروی نظامی کشور را اشغال و در بانک مرکزی آن مستقر شده است!

نیروی دریایی آمریکا هم اکنون هائیتی و بانک مرکزی آن را در اشغال دارد که پایگاهی برای پولشویی این کشور بوده است. نیروهای آمریکایی همچنین از هنگام ورود به هائیتی به هیچ داوطلب کمکی اجازه ورود به این کشور را نداده، کار کمک رسانی به مردم را مختل کرده اند و ابتکار عمل را نیز از دیگر کشورها از جمله فرانسه گرفته اند. در این راستا، «آلن ژوایانده» وزیر مسئول کمک رسانی بشردوستانه فرانسه از سازمان ملل خواسته است نقش آمریکا را در این میان «روشن» سازد!

به گزارش سایت های اینترنتی از جمله «آلترانفو» و «لوپست»، بسیاری از دانشمندان پنج قاره معتقدند که زمین لرزه هائیتی (۷/۳ ریشتر) به کمک سیستم آب و هوایی «هارپ» ایجاد شده و به کمک این سلاح مخوف است که «امپراتوری آمریکایی- صهیونیستی» نه تنها موجی خارق العاده از سرما را در اروپا پدید آورده تا تلاش های مخالفان جهانی با پدیده گرم شدن آب و هوای کره زمین را مسدود سازد، بلکه بلافاصله نیز زمین لرزه «ویرانگر» هائیتی را تدارک دیده تا ناوگان خود را با هدف نهایی اشغال کوبا و ونزوئلا، در دریای کارائیب مستقر سازد. گروهی دیگر از دانشمندان که آنها نیز آمریکا را به استفاده از سلاح «هارپ» متهم می کنند، دلیل ایجاد زلزله در هائیتی و «اشغال نظامی» سریع این کشور را وجود ذخایر نفتی غنی آن می دانند که چیزی از ذخایر نفتی ونزوئلا کم ندارد. این کارشناسان با تأکید بر اینکه آمریکا قطعاً در هائیتی از سلاح «هارپ» استفاده کرده است، به اظهارات «زیگنیو برژینسکی»، مشاور سابق «جیمی کارتر» و مشاور کنونی «اوباما» اشاره می کنند که «هارپ» را سلاحی برای بی ثبات کردن کشورهای غیرمتحد با واشنگتن توصیف کرده است. به گفته «برژینسکی»، «تکنولوژی روش هایی را در اختیار کشورهای بزرگ قرار می دهد که به کمک آن می توانند جنگ هایی سریع و غافلگیرکننده به راه اندازند بدون آنکه حتی نیروهای امنیتی شان در جریان قرار گیرند.» او اضافه می کند: «ما روش هایی در اختیار داریم که به کمک آنها می توانیم تغییراتی در آب و هوا، از جمله خشکسالی و توفان به وجود آوریم، و این امر می تواند توانایی های یک دشمن بالقوه را تضعیف و آن را به پذیرش شرایط ما وادار سازد.»

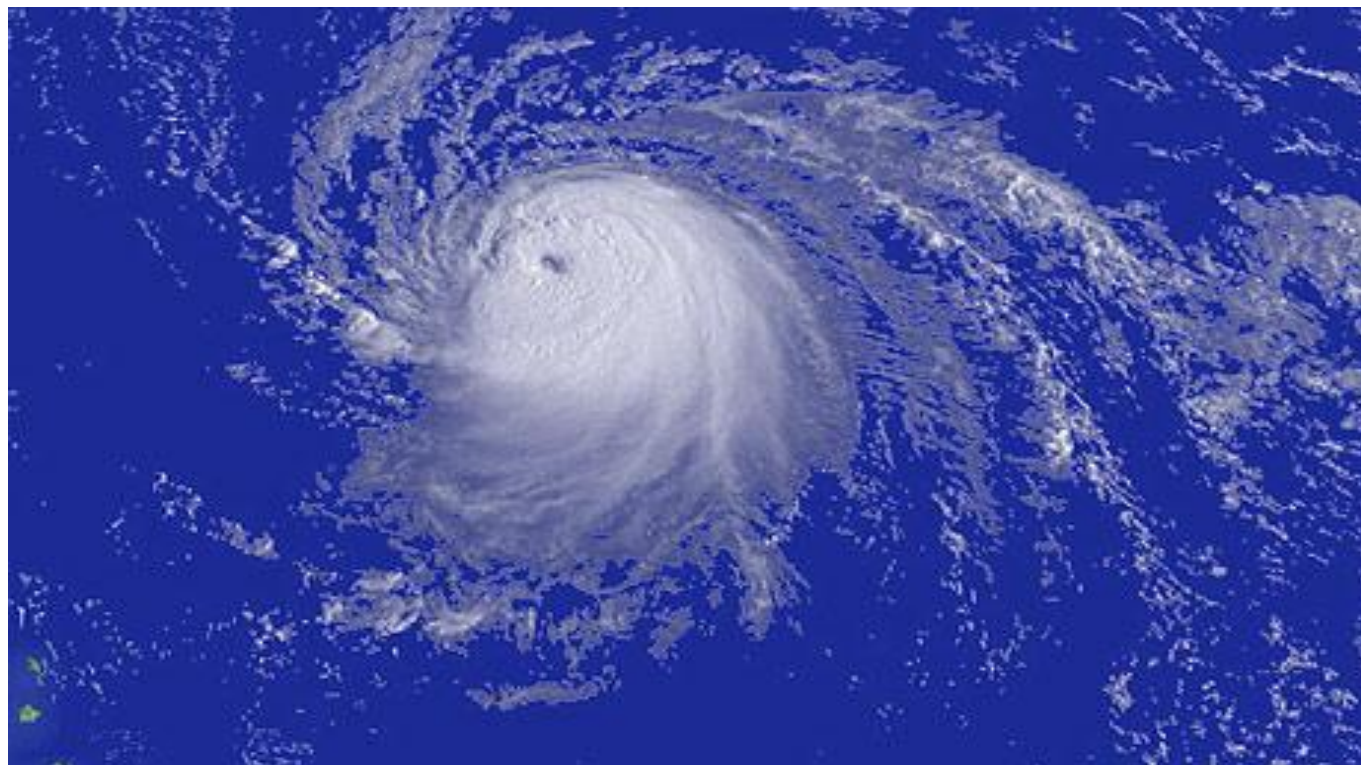


از دیدگاه کارشناسان، آنچه درمورد زلزله هائیتی تعجب برانگیز است این نکته است که این زمین لرزه در منطقه ای به وقوع پیوسته که «زلزله خیز» نیست، ضمن آنکه این کشور فقیر و کوچک در نزدیک به منطقه ای در پورتوریکو قرار دارد که شعبه ای از سیستم هارپ در آن مستقر است.

در این حال، زمین لرزه در ساعتی از روز به هنگام غروب آفتاب که آسمان به سرخی می گراید و غبارآلود به نظر می رسد، ایجاد شده تا وضعیت آسمان حاصل از استفاده از سلاح «هارپ» را بپوشاند. از دیگرسو، کارشناسان از خود می پرسند چگونه چنین زلزله شدیدی می توانسته صرفاً در نقطه ای کوچک به وقوع بپیوندد بی آنکه مناطق نزدیک به آن مانند جمهوری دومینیک حتی آن را احساس نکنند و هیچ سونامی نیز ایجاد نشود؟! این درحالی است که هیچ کارشناس برجسته ای در رسانه های شمال آمریکا و کارائیب در شب حادثه درمورد رویدادی به این عظمت اظهار نظر نکرده است.

کشورهای همسایه هائیتی که مراقب اوضاع منطقه هستند نیز وقوع این امر را تأیید کرده اند، «هوگو چاوز»، رئیس جمهوری ونزوئلا رسماً اعلام کرد که آمریکایی ها با هدف اشغال نظامی هائیتی باعث بروز زمین لرزه قوی اخیر در این کشور شده اند که در اثر آن ده ها هزار تن جان خود را از دست داده اند. به گزارش ایلنا به نقل از خبرگزاری ریانووستی، روزنامه «کامسامولسکایا پراودا» گزارش داد که «هوگو چاوز»، رئیس جمهوری ونزوئلا گفت که آمریکایی ها باعث بروز زمین لرزه قوی اخیر در هائیتی شده اند که در اثر آن صدها هزار تن جان خود را از دست داده اند. چاوز گفت: «این امر در اثر آزمایش سلاحی فوق مدرن در دریای کارائیب رخ داده که نتیجه اصلی آن تخریب ایران با کمک این زمین لرزه است.» نشریه اسپانیایی «ای بی سی» به نقل از

چاوز گزارش داد که به احتمال قوی با علم بر اینکه چنین زمین لرزه ای چه خسارت هنگفتی می تواند به هائیتی برساند آنها (آمریکا) ژنرال کین را برای کنترل تلاش هایی که درباره امدادرسانی انجام می شود به این کشور زلزله زده اعزام کرده اند. چاوز با اعلام این که من در جایی خوانده ام که آمریکایی ها حتی کاخ ریاست جمهوری هائیتی را نیز به اشغال خود درآورده اند، اعلام کرد: «اکنون که این جمهوری نیاز به کمک دیگر کشورها پیدا کرده، آمریکا از این مسئله استفاده کرده تا این جزیره را اشغال کند.» چاوز که یکی از منتقدان سرسخت سیاست های واشنگتن به شمار می آید، گفت: «آمریکا باید به جای نیروهای نظامی به هائیتی پزشک اعزام کند.» چاوز گفت: «آمریکا در تلاش است تا اقدام مشابهی را که در سال ۱۹۹۹ میلادی انجام داد، تکرار کند، **سالی که بر اثر بارش سنگین باران برخی روستاها در ایالت بندری «وارگاس» در زیر گل و لای مدفون شدند.** وی زلزله هائیتی را هم کار آمریکا دانست و نوشت: زمین لرزه هائیتی را آمریکا با استفاده از سلاح مخوف «هarp» به وجود آورده است.



گفتنی است که سیستم «هarp» سلاحی آب و هوایی است که از طریق ارسال يك انرژی فوق العاده به لایه یونوسفر (لایه فوقانی اتمسفر)، مولکول های آن را به تپش انداخته و به بازتاب قدرتمند این انرژی وادار می سازد. این انرژی پس از «کانالیزه» شدن می تواند اختلالاتی مانند خشکسالی، بارش برف و باران، سرماي شدید، سونامي، توفان، زلزله و... در نقطه تعیین شده، به وجود آورد. این سلاح آب و هوایی به مجموعه نظامی -صنعتی بیلدبرگ (اربابان جهان) تعلق دارد.

پروشنگده هاوآموزشگده های بنیاد حیات اعلی

علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی

علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی

علوم تقویم نجوم تنجیم - علوم پاکزیتی - علوم طب جامع

آموزش برتر (اعلی) - دانش برتر (اعلی) - علوم توانمندی به نیروی الهی

علوم تبارشناسی - رسانه های حیات اعلی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهیة

۱۴۳۱ □

<http://hayaate-aelaa.own0.com>
Hayaat.Aelaa@laposte.net

والحمد لله رب العالمین